



report

Human Rights Violations

UNITED STATES (2014)

گزارش نقض حقوق بشر در ایالات متحده (۲۰۱۴)



۱-۱. تعریف حقوق بشر:

حقوق بشر اساسی‌ترین و ابتدایی‌ترین حقوقی است که هر فرد به طور ذاتی، فطری و به صرف انسان بودن از آن بهره مند می‌شود. مطابق اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر اسناد بین‌المللی این حقوق ویژگی‌هایی همچون جهان شمول بودن، سلب ناشدنی، انتقال ناپذیری، تفکیک ناپذیری، عدم تبعیض و برابری طلبی، به هم پیوستگی و در هم تنیدگی را دارا است. از این رو به تمامی افراد در هر جایی از جهان تعلق دارد و هیچ کس را نمی‌توان به صرف منطقه جغرافیایی که در آن زیست می‌کند، از حقوق بشر محروم کرد ضمن اینکه همه افراد فارغ از عواملی چون نژاد، ملیت، جنسیت و غیره در برخورداری از این حقوق با هم برابر و یکسانند و در این خصوص کسی را بر دیگری برتری نیست.^۱

اعلامیه جهانی حقوق بشر که در ۱۰ دسامبر سال ۱۹۴۸ در مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب رسید، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، میثاق بین‌المللی حقوق اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی که در سال ۱۹۶۶ به تصویب مجمع عمومی رسیدند، کنوانسیون ممنوعیت و مجازات جرم ژنو ساید؛ کنوانسیون حذف همه اشکال تبعیض علیه زنان؛ کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زنان؛ کنوانسیون منع شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات خشن، غیرانسانی و موهن؛ کنوانسیون حقوق کودک و کنوانسیون مربوط به

¹ Merriam Webster Dictionary, <http://www.merriam-webster.com/dictionary/human%20rights>

وضعیت پناهندگان مصداق های حقوق بشر را مشخص کردند. با در نظر گرفتن این اسناد، حقوق بشر مجموعه‌ای از قواعد و مقررات حقوقی بین المللی است که در همهٔ زمانها و مکانها از مقام، منزلت و کرامت انسانی تمام افراد و یا گروهها صرفاً بدلیل اینکه انسانند، در مقابل همهٔ دولتها حمایت می‌کند.

۱-۲. تعریف نقض حقوق بشر:

زمانی دولت و نهادهای وابسته آن و یا نهادهای غیر دولتی حقوق اساسی افراد را از جمله حقوق مدنی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی آنها را انکار و مورد تجاوز قرار می‌دهند، نقض حقوق بشر رخ داده است. نقض حقوق بشر شامل رعایت نکردن، نقض و ممانعت از برخورداری انسان ها از تمامی حقوقی است که به صرف انسان بودن از آن حقوق برخوردارند و در اسناد بین المللی مطرح شده اند.

نقض حقوق بشر در ایالات متحده آمریکا (۲۰۱۴)

۳-۱. تداوم بی‌اعتنایی به معاهدات حقوق بشری

ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۱۴ همانند سال‌های پس از سال ۲۰۰۲، سیاست بی‌اعتنایی به عهدنامه‌های حقوق بشری را ادامه داده است. با وجود شعارها و تبلیغات زیاد دولت باراک اوباما، رئیس‌جمهوری آمریکا و قطعنامه‌ها، بیانیه و مصوبات حقوق بشری زیادی که در کاخ سفید، وزارت خارجه و همچنین کنگره این کشور در مورد وضعیت حقوق بشر در کشورهای مختلف جهان صادر شده است، ایالات متحده در سال ۲۰۱۴ هیچ‌یک از عهدنامه‌ها و کنوانسیون‌های حقوق بشری بین‌المللی و منطقه‌ای را امضاء و تصویب نکرده است. بی‌اعتنایی به این کنوانسیون‌ها و خاک خوردن این اسناد در آرشیوهای کاخ سفید و کنگره خود نوعی نقض حقوق بشر است و مانع مهمی برای پیشبرد و ارتقاء وضعیت حقوق بشر در ایالات متحده است. آمریکا از بین حدود ۶۵ کنوانسیون و معاهده بین‌المللی و منطقه‌ای در زمینه حقوق بشر تنها ۱۷ معاهده را به تصویب رسانده است.^۲ آخرین معاهدات و کنوانسیون‌هایی که آمریکا آنها را

² Human Rights Watch, "United States Ratification of International Human Rights Treaties", 2014 July, Available at: http://www.hrw.org/sites/default/files/related_material/Treaty%20Ratification%20Advocacy%20document%20-%20final%20-%20Aug%202009.pdf.

تصویب کرده است، کنوانسیون جلوگیری از حمایت مالی تروریسم^۳ و کنوانسیون جلوگیری از بمب گذاری تروریستی^۴ بوده که هر دو در تاریخ ۲۶ ژوئن سال ۲۰۰۲ در کنگره به تصویب رسیدند.^۵ از آن تاریخ تا کنون (پایان سال ۲۰۱۴) دولت آمریکا هیچ کنوانسیون و معاهده حقوق بشری بین المللی و را امضاء نکرده و کنگره این کشور هم هیچ معاهده و یا کنوانسیونی را تصویب نکرده است. تداوم سیاست بی اعتنائی به معاهدات و کنوانسیون های بین المللی و منطقه ای مصداقی کلی از بی توجهی به معیارها و استانداردهای پذیرفته شده جهانی در زمینه حقوق بشر است که در سال ۲۰۱۴ هم ادامه داشته است. با این حال، امضاء و تصویب نکردن معاهدات و کنوانسیون های منطقه ای و بین المللی توسط آمریکا نمی تواند مانعی برای داوری کردن در مورد وضعیت حقوق بشر در این کشور شود زیرا ویژگی جهانی بودن و فراگیر بودن معیارهای مطرح شده در این معاهدات باعث شده است که تمامی نهادها و کشورها بر اساس آنها قضاوت کنند و مورد قضاوت قرار گیرند؛ از طرف دیگر ایالات متحده اگر چه بسیاری از این معاهدات و کنوانسیون ها را امضاء و تصویب نکرده است اما به عنوان یک قدرت جهانی در شکل گیری و محتوای آنها نقش مهمی داشته است. بر همین اساس، در این گزارش هم بر مبنای همین کنوانسیون ها و معاهدات بین المللی و منطقه ای به بررسی وضعیت حقوق بشر در ایالات متحده پرداخته خواهد شد.

³ International Convention for the Suppression of the Financing of Terrorism

⁴ International Convention for the Suppression of Terrorist Bombing

⁵ Ratification of International Human Rights Treaties – USA, University of Minnesota, Human Rights Library, Available at: <http://www1.umn.edu/humanrts/research/ratification-USA.html>.

۱-۴. مجازات اعدام

از سال ۱۹۶۷ که دولت فدرال ایالات متحده آمریکا مجازات اعدام را دوباره مجاز کرد تا ماه دسامبر

سال ۲۰۱۴، یک هزار و ۳۹۴ مورد مجازات مرگ در سراسر آمریکا اجرا شده است.^۶ از آغاز سال ۲۰۱۴

تا کنون ۳۵ تن در ایالات های مختلف آمریکا اعدام شده‌اند.



⁶Death Penalty Information Center, “Death Sentences in the United States From 1977 By State and By Year”. Available at:

آمار اعدام در ایالات متحده در این سال کاهش کمی نسبت به سال های قبل داشته است. در سال ۲۰۱۳، ۳۹ مورد مجازات مرگ در آمریکا اجرا شد و سال ۲۰۱۲، ۴۳ تن اعدام شدند.^۷ با این حال طبق آخرین آمارها در حال حاضر، سه هزار و ۸۸ تن از زندانیان آمریکا به اعدام محکوم شدند و منتظر اجرای حکم اعدام خود هستند. این رقم تا قبل از سال ۲۰۱۴، سه هزار و ۳۵ مورد بوده است و در این سال ۵۳ حکم اعدام در ایالت های مختلف صادر شده است.^۸ مقامات ایالتی و فدرالی آمریکا به خاطر ممانعت از انتقادهای حقوق بشری، تلاش دارند که هر ساله تعداد معینی از احکام اعدام را اجرا کنند اما افزایش شمار محکومین به مرگ

⁷ Death Penalty Information Center, "Executions by Year", Available at: <http://www.deathpenaltyinfo.org/executions-year>

⁸ Death Row U.S.A.,

جدول ۱-۱. اعدامیان سال ۲۰۱۴ در ایالات متحده

شماره	نام	جنسیت	نژاد	ایالت	تاریخ
۱.	توماس نایت	مرد	سیاه پوست	فلوریدا	۷ ژانویه
۲.	مایکل لی ویلسون	مرد	سیاه پوست	اوکلاهما	۹ ژانویه
۳.	دنیس بی. مک گیر	مرد	سفید پوست	اوهاйо	۱۶ ژانویه
۴.	ادگار آریس تامایو	مرد	هیسپانیک	تگزاس	۲۲ ژانویه
۵.	کنت اوجین هوگان	مرد	سفید پوست	اوکلاهما	۲۳ ژانویه
۶.	هربرت لی. اسمالز	مرد	سیاه پوست	میسوری	۲۹ ژانویه
۷.	سوزان مارگارت باسو	زن	سفید پوست	تگزاس	۵ فوریه
۸.	جوان کارلوس چاوز	مرد	هیسپانیک	فلوریدا	۱۲ فوریه
۹.	مایکل آنتونی تیلور	مرد	سیاه پوست	میسوری	۲۶ فوریه
۱۰.	پل آگوستوس هوول	مرد	سیاه پوست	فلوریدا	۲۶ فوریه
۱۱.	ری جاسپر	مرد	سیاه پوست	تگزاس	۱۹ مارس
۱۲.	رابرت لاورن هنری	مرد	سیاه پوست	فلوریدا	۲۰ مارس
۱۳.	جفری آر. فرگوسن	مرد	سفید پوست	میسوری	۲۶ مارس
۱۴.	آنتونی دواین دوایل	مرد	سیاه پوست	تگزاس	۲۷ مارس

۱۵.	تامی لین سلز	مرد	سفید پوست	تگزاس	۳ آوریل
۱۶.	رامیرو هرناندز لیناس	مرد	هیسپانیک	تگزاس	۹ آوریل
۱۷.	جوز لوپس ویلگاس	مرد	هیسپانیک	تگزاس	۱۶ آوریل
۱۸.	ویلیام ال. روزان	مرد	سفید پوست	میسوری	۲۳ آوریل
۱۹.	رابرت اجین هرندریکس	مرد	سفید پوست	فلوریدا	۲۳ آوریل
۲۰.	کلایتون درل لوکت	مرد	سیاه پوست	اوکلاهما	۲۹ آوریل
۲۱.	مارکوس ای. ولونس	مرد	سیاه پوست	جورجیا	۱۷ ژوئن
۲۲.	جان ای. وینفیلد	مرد	سیاه پوست	میسوری	۱۸ ژوئن
۲۳.	جان روتل هنری	مرد	سیاه پوست	فلوریدا	۱۸ ژوئن
۲۴.	ادی واین داویس	مرد	سفید پوست	فلوریدا	۱۰ جولای
۲۵.	جان سی. میدلتون	مرد	سفید پوست	میسوری	۱۶ جولای
۲۶.	جوزف رودلف وود	مرد	سفید پوست	آریزونا	۲۳ جولای
۲۷.	مایکل شان ورتینگتون	مرد	سفید پوست	میسوری	۶ آگوست
۲۸.	ارل رینگو	مرد	سیاه پوست	میسوری	۱۰ سپتامبر
۲۹.	ویلیام تیرون تروتی	مرد	سیاه پوست	تگزاس	۱۰ سپتامبر
۳۰.	لیزا آن کولمن	زن	سیاه پوست	تگزاس	۱۷ سپتامبر
۳۱.	میگول آنجل پاردس	مرد	هیسپانیک	تگزاس	۲۸ اکتبر

۳۲.	چادویک بانکس	مرد	سیاه پوست	فلوریدا	۱۳ نوامبر
۳۳.	لئون تیلور	مرد	سیاه پوست	میسوری	۱۹ نوامبر
۳۴.	رابرت هولسی	مرد	سیاه پوست	جورجیا	۹ دسامبر
۳۵.	پل گودوین	مرد	سفید پوست	میسوری	۱۰ دسامبر

در سال ۲۰۱۴ نشان می دهد که روند محکومیت به اعدام در این کشور همچنان رو به افزایش است. این روند مصداقی مهم از نقض ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است که طبق بند یک آن «حق زندگی از حقوق ذاتی انسان است. این حق باید به موجب قانون حمایت شود.» طبق بند دوم آن «در کشورهایایی که مجازات اعدام لغو نشده صدور حکم اعدام جایز نیست، مگر در مورد مهم‌ترین جنایات طبق قانون لازم‌الاجراء در زمان ارتکاب جنایت، که آن‌هم نباید با مقررات این میثاق و کنوانسیون‌ها راجع به جلوگیری و مجازات جرم کشتار دسته جمعی (ژنوساید) منافات داشته باشد.»^۹ ماده شش میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی از کشورها خواسته است که در مسیر الغای مجازات اعدام تلاش کنند اما نظام های قضایی ایالت هایی مانند تگزاس، فلوریدا، میسوری، اوکلاهما، آریزونا، جورجیا و اوهایو در سال

⁹ International Covenant on Civil and Political Rights, Available At: <http://treaties.un.org/doc/Publication/UNTS/Volume%20999/volume-999-I-14668-English.pdf>.

۲۰۱۴ نشان دادند که اصلاً تلاشی در زمینه الغای مجازات اعدام و حتی کاهش موارد آن انجام نداده اند.

۱-۴-۱. اعدام های زجر آور

یکی از مسائل مهم حقوق بشری در رابطه با اعدام های سال ۲۰۱۴ در ایالات متحده آمریکا شیوه اعدام برخی از محکومین بوده است. همه ۳۳ اعدامی در سال ۲۰۱۴ از راه تزریق مواد سمی اعدام شدند؛ شیوه ای که در سال ۲۰۱۴ در برخی موارد بحث برانگیز شد و برخی نهادهای مدافع حقوق بشر چه در داخل و چه در سطح بین المللی در برابر آن واکنش نشان دادند.

اعدام از طریق تزریق مواد سمی به طور معمول در سه مرحله و در عرض تنها چند دقیقه صورت می گیرد، اول داروی سمی سیستم عصبی مرکزی بدن را از کار می اندازد و فرد را بی هوش می کند؛ دوم عضلات را از کار می اندازد و تنفس را متوقف می کند؛ و سوم قلب از کار می افتد. این شیوه اعدام که نخستین بار در سال ۱۹۸۲ بار در تگزاس آمریکا اجرا شد، در برخی موارد با موادی سمی صورت می گیرد که زجر بیمار را طولانی می کند. این نوع اعدام ها نه تنها ناقض میثاق های بین المللی است بلکه ناقض اصل ممنوعیت «مجازات غیرعادی و بی رحمانه» در متمم چهارم قانون اساسی آمریکا هم است.



اجرای اعدام «دنيس بى. مك گير» در ژانويه سال ۲۰۱۴ در ايالت اوهايو نخستين مصداق از نوع نقض حقوق بشر بود. زجر چند ساعته دنيس مك گواير پس از تزريق مواد سمى باعث اعتراض و شكايه خانواده او شد. مسئولان زندام اوهايو داروى سمى جديدى به او تزريق کرده بودند كه حالت خفگى براى او به وجود آورد و او را براى چند ساعت زجر داد. اجراى اعدام «كلایتون درل لوكت» كه در ۲۹ آوريل سال ۲۰۱۴ در ايالت اوكلاهما انجام شد، مصداق دوم از زجر اعداميان در شيوه تزريق مواد سمى در سال ۲۰۱۴ بود. اين زندانى ۳۸ ساله پس از تزريق داروى سمى دچار تشنج شد و پس از يك ساعت زجر و درد شديد به دليل سكته قلبى فوت كرد. اعدام «جوزف رودلف وود»، در ۲۳ جولای در ايالت آريزونا مصداقى

دیگر از نقض حقوق اعدامیان بود. وی پس از تزریق ماده سمی به مدت بیش از ۹۰ دقیقه با نفس‌های بریده تنفس کرد تا سرانجام در حالتی زجرآور جان داد. باراک اوباما، رئیس جمهوری آمریکا در واکنش به مشکل از اریک هولدر، دادستان کل کشور خواست که مجازات اعدام و مشکلات مربوط به آن را بررسی کند اما هنوز اقدامی جدی و عملی در این زمینه رخ نداده است. مسلماً تعیین نکردن نوعی مشخص از ماده سمی و بررسی شیوه و مدت کارکرد آن و امتحان کردن مواد سمی ترکیبی مختلف و متنوع که منجر به زجر و رنج اعدامیان در آخرین دقایق عمرشان می‌شود، نقض صریح ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر است که بر مبنای آن، «هیچ کس نباید مورد شکنجه یا بیرحمی و آزار، یا تحت مجازات غیرانسانی و یا رفتاری قرار گیرد که منجر به تنزل مقام انسانی وی گردد.»^{۱۰}

۱-۴-۲. تبعیض نژادی در صدور حکم اعدام

بررسی موارد اعدام در سال ۲۰۱۴ از دیدگاه نژادی نشان می‌دهد که درصد بالایی از محکومین به اعدام در ایالات متحده از اقلیت‌های نژادی هستند. تنها ۱۱ تن از ۳۳ فردی که در سال ۲۰۱۴ اعدام شده‌اند سفید پوست بودند؛ ۱۷ تن از آنها از اقلیت سیاه پوست و ۵ تن دیگر آنها از اقلیت هیسپانیک بودند. این

¹⁰ Aspirations of the Universal Declaration of Human Rights, Available at: <http://www.un.org/en/documents/udhr/>

در حالی است که طبق آخرین آمار حدود ۱۳ درصد از کل جمعیت آمریکا را سیاه پوستان تشکیل می دهند. اگر چه گفته می شود که نرخ جرم و جنایت در بین سیاه پوستان آمریکا بیشتر از سفید پوستان است اما برخورد تبعیض آمیز با سیاه پوستان در جریان بازداشت، بازجویی، محاکمه و تفسیر قانون یکی از علل مهم اعدام بیشتر سیاه پوستان بوده است.



در طول تاریخ معاصر مربوط به صدور حکم اعدام و اجرای آن در ایالات متحده آمریکا (از سال ۱۹۶۷ تا کنون) همیشه اقلیت های نژادی به ویژه سیاه پوستان راحت تر توسط محاکم قضایی فدرال و ایالتی به مجازات مرگ محکوم می شدند. این تبعیض نژادی تا جایی بوده که در برخی موارد اگر محکومین سفید

پوست بودند ممکن بود که حکم دادگاه چیزی پایین تر از اعدام باشد.

یکی از مصداق های این تبعیض نژادی در صدور حکم اعدام در سال ۲۰۱۴، پرونده «مارکوس رابینسون» بود؛ در این سال دادگاهی در آمریکا حکم اعدام وی را به حبس ابد بدون اجازه آزادی مشروط تقلیل داد. این تصمیم در دادگاه تجدید نظر کارولینای شمالی زمانی اعلام شد که محرز شده بود سیاه پوست بودن وی علت مهمی در صدور حکم اعدام در دادگاه بدوی بوده است. عامل نژاد و وجود رویکردهای نژادپرستانه آشکار و تلویحی در برخی هیات های منصفه و سفید پوست بودن غالب قضات آمریکایی باعث شده که درصد بالایی از محکومین به اعدام در ایالات متحده سیاه پوست باشند. با وجود ریشه دار بودن و گسترده بودن این معضل در نظام قضایی آمریکا تنها دو ایالت کنتاکی و کارولینای شمالی قانونی برای حمایت از سیاه پوستان محکوم به اعدام در برابر تبعیض نژادی تصویب کردند. بر اساس این قوانین، محکومین به اعدام می توانند حکم اعدام خود را با ارائه شواهدی مبنی بر رویکردهای تبعیض نژادی در روند داوری زیر سوال ببرند. این قانون که در ایالت کارولینای شمالی «قانون عدالت نژادی» نامیده می شود در سال ۲۰۰۹ به تصویب رسید. در کارولینای شمالی، تقریباً همه محکومین سیاه پوستی که به اعدام محکوم شده اند، درخواست داده اند حکمشان با در نظر گرفتن این قانون بازبینی شود.

۱-۵. نقض حقوق زندانیان:

آمریکا رکورد دار بیشترین تعداد زندانی در جهان است. در حالی که جمعیت آمریکا تنها ۵ درصد جمعیت کل جهان را شامل می شود، ۲۵ درصد از زندانیان جهان در زندان های این کشور روزگار می گذرانند. طبق آخرین آمارهای رسمی دفتر فدرال زندانهای آمریکا^{۱۱} و دفتر آمار وزارت دادگستری^{۱۲} این کشور، بیشتر از دو میلیون و ۴۰۰ هزار زندانی در زندان های فدرال و ایالتی آمریکا پشت میله ها هستند.^{۱۳} جمعیت بالای زندانیان در آمریکا موضوع رعایت حقوق زندانیان را در کانون توجه نهادهای حقوق بشری قرار داده است. سال ۲۰۱۴ موضوعات مهمی در رابطه با حقوق بشر در زندان های آمریکا مورد توجه بوده است که در بخش های بعدی این گزارش مطرح می شوند.

۱-۵-۱. تداوم بازداشت خودسرانه و نقض عدالت کیفری در گوانتانامو

تداوم بازداشت بدون محاکمه و تفهیم اتهام زندانیان گوانتانامو و تداوم بازداشت زندانیانی که مدرکی

¹¹ Bureau of Justice Statistics (BJS)

¹² Federal Bureau of Prisons

¹³ Ezra Klein and Evan Soltas, "Wonkbook: 12 facts about America's prison population", 13, August, 2014. Available at: <http://www.washingtonpost.com/blogs/wonkblog/wp/2013/08/13/wonkbook-11-facts-about-americas-prison-population/>

دال بر گناهکار بودن آنها نیست، مصداق نقض حقوق زندانیان توسط آمریکا در سال ۲۰۱۴ بود.^{۱۴} به طور حتم زندان گوانتانامو بزرگترین مصداق نقض حقوق بشر است که دولت آمریکا در زمینه حقوق زندانیان مرتکب شده است. زندان گوانتانامو در سال ۲۰۰۲ به دستور «جورج بوش»، رئیس جمهوری پیشین آمریکا تاسیس شد تا مظنونان تروریستی در آن نگهداری شود. در طول فعالیت ۱۲ ساله این زندان، ۷۷۹ زندانی در آن حبس شدند که در طول این سال ها، ۶۰۰ تن از آنها به خاطر نبودن مدارکی دال بر مجرم بودن آنها و مشارکت آنها در فعالیت های تروریستی آزاد شدند ولی غالب آنها چندین سال را بدون هیچ اتهامی در زندان مخوف گوانتانامو شکنجه شدند. هم اکنون ۱۴۳ زندانی دیگر در این زندان هستند که دولت آمریکا مجوز انتقال ۷۲ تن از آنها را به کشورهای متبوع خود و یا یک کشور سوم را صادر کرده است^{۱۵} اما به دلایل نامعلومی هنوز در گوانتانامو حبس هستند. زندانیانی که مجوز انتقال آنها صادر شده است تا ماه دسامبر سال ۲۰۱۴، ۷۸ تن بودند که شش تن از آنها در همین ماه به اوروگوئه منتقل شدند^{۱۶}.

¹⁴ Salimah K. Hankins (December, 2013), *A Status Report on Human Rights in the United States*, US Human Rights Networks, available at: <http://www.ushrnetwork.org/resources-media/advancing-human-rights-status-report-human-rights-united-states>

¹⁵ Human Rights Watch, "Guantanamo: facts and figures", Available at: <http://www.hrw.org/features/guantanamo-facts-figures>

¹⁶ New York Times, "Uruguay Accepts 6 Detainees Held at Guantánamo", Available at: <http://www.nytimes.com/2014/12/08/world/americas/us-transfers-6-guantanamo-detainees-to-uruguay.html>



۱۵ تن از زندانیان گوانتانامو زیر ۱۸ سال سن دارند که نگهداری آنها در زندان که هنوز به سن قانونی ۱۸ سال نرسیده اند^{۱۷}، علاوه بر معیارهای جهانی و بین المللی ناقض قوانین داخلی آمریکا هم هست. در طول سال های بین سال ۲۰۰۲ تا کنون، ۹ تن در زندان گوانتانامو مرده اند که ۶ تن از آنها به خاطر وضعیت بد زندان و شکنجه های جسمی و روانی اقدام به خودکشی کردند. مرگ ۶ تن دیگر مشکوک بوده است و این احتمال داده می شود که بر اثر شکنجه های ماموران زندان و جراحات ها و یا به خاطر بیماری

¹⁷ Center for the Study of Human Rights in the Americas, University of California at Davis, "Guantanamo's Children: The Wikileaks Testimonies," (undated) <http://humanrights.ucdavis.edu/reports/guantanamos-children-the-wikileaks-testimonies/guantanamos-children-the-wikileaks-testimonies> .

های که مبتلا به آنها شدند، جان دادند. تنها ۶ تن از زندانیان گوانتانامو به خاطر اتهام های اثبات شده مرتبط با حملات تروریستی سال ۲۰۰۱ به برج های تجارت جهانی نیویورک و ساختمان پنتاگون (وزارت دفاع آمریکا) در این زندان حبس هستند.

این در حالی است که سازمان عفو بین الملل در ۲۲ ژانویه سال ۲۰۱۴، در بیانیه ای خطاب باراک اوباما خواستار بسته شدن زندان گوانتانامو شد. در این بیانیه آمده بود: «در تمامی سال هایی که زندان گوانتانامو از سوی آمریکا اداره می شود، این کشور همواره تعهد خود به استانداردهای بین المللی حقوق بشر را اعلام کرده است و اگر کشوری دیگر مسئول نقض حقوق بشر در گوانتانامو بود، واشنگتن بارها این اقدام را محکوم می کرد؛ زمان آن رسیده است که مقامات آمریکایی به این سیاست دوگانه پایان دهند.»

سازمان عفو بین الملل در این بیانیه تاکید کرد که باز نگه داشتن زندان گوانتانامو توسط آمریکا و شکنجه زندانیان مثالی بارز از سیاست دوگانه واشنگتن درباره حقوق بشر است. «آریکا گیوارا روساس»، مدیر بخش آمریکا در سازمان عفو بین الملل در مورد زندان گوانتانامو خطاب به اوباما نوشت: «زندان گوانتانامو زندگی خود را در برزخ می گذرانند و برای پایان یافتن این سال های دشوار انتظار می کشند. بسیاری از زندانیان از نقض جدی حقوق بشر رنج برده اند و دسترسی به امکانات درمانی به طور نظام-مند قطع شده است.»

سازمان عفو بین الملل همچنین باراک اوباما، رئیس جمهوری آمریکا را برای عملی نکردن دستور خود در سال ۲۰۰۹ مبنی تعطیل شدن گوانتانامو، مورد انتقاد قرار داد. در این بیانیه آمده است: «با گذشت پنج سال، این وعده برای تغییر به یک ناکامی حقوق بشری تبدیل شده است و مشروعیت باراک اوباما را تهدید می‌کند.»

زندان گوانتانامو پس از حملات ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ در آمریکا و اعلام دکترین «مبارزه جهانی با تروریسم»، توسط دولت جورج بوش در سال ۲۰۰۲ تاسیس شد و زمانی حدود ۷۰۰ زندانی در آن نگهداری می‌شد. این زندانیان که تابعیت آمریکایی نداشته‌اند و در مناطق مختلف جهان دستگیر شده‌اند، تحت عناوینی مانند «اشخاص متخاصم غیر ارتشی» به گوانتانامو فرستاده شده‌اند.

از آنجا که واشنگتن زندانیان گوانتانامو را نظامی دشمن نمی‌داند، آنان از حقوق اسیران جنگی برخوردار نیستند و از آنجا که نه تابعیت آمریکایی دارند و نه در خاک آمریکا دستگیر یا زندانی شده‌اند، در حوزه قضایی ایالات متحده قرار ندارند و مشمول حقوق بازداشت شدگان در قوانین آن کشور، مانند ایراد رسمی اتهام، دسترسی به وکیل مدافع در مراحل بازجویی و حق محاکمه سریع و عادلانه نشده‌اند.

دولت باراک اوباما نه تنها در سال ۲۰۱۴ به وعده خود در ۲۲ ژانویه سال ۲۰۰۹ مبنی بر بستن زندان

گوانتانامو عمل نکرد بلکه مانع تصویب قانون دفاع ملی در کنگره و اجرایی شدن آن نشد. طبق این قانون بسته شدن زندان گوانتانامو در وضعیت کنونی در تضاد با منافع امنیتی ایالات متحده است و هر طرح و لایحه ای در این رابطه از نظر امنیتی توجیه پذیر نیست.

سیاست آمریکا به ویژه کنگره این کشور در زمینه باز نگه داشتن زندان گوانتانامو، نقض آشکار مواد ۹ تا ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر است که در آنها تاکید شده «هیچ احدی نباید مورد توقیف، حبس یا تبعید خودسرانه قرار گیرد» و «هر انسانی سزاوار و محق به دسترسی کامل و برابر به دادرسی آشکار و عادلانه توسط دادگاهی بی طرف و مستقل است تا در برابر هر گونه اتهام جزایی علیه وی، به حقوق و تکالیف وی رسیدگی کند».^{۱۸}

از آنجا که واشنگتن زندانیان گوانتانامو را نظامی دشمن نمی داند، آنان از حقوق اسیران جنگی هم برخوردار نیستند و از آنجا که نه تابعیت آمریکایی دارند و نه در خاک آمریکا دستگیر یا زندانی شده اند، در حوزه قضایی ایالات متحده قرار ندارند حقوق مسلم بازداشتی ها در قوانین ایالات متحده (مانند ایراد رسمی اتهام، دسترسی به وکیل مدافع در مراحل بازجویی و حق محاکمه سریع و عادلانه) شامل آنها نمی شود.

¹⁸ <http://www.un.org/en/documents/udhr/>

طبق گزارش کمیته ضد شکنجه شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد که در ماه دسامبر سال ۲۰۱۴ منتشر شد، ابهام در قوانین ضد شکنجه آمریکا و سوء استفاده از این ابهامات و تفاسیر نادرست از قوانین منجر به نقض وسیع حقوق زندانیان از طریق شکنجه می شود. تجاوز به زندانیان توسط زندانبان ها، حبس های انفرادی طولانی مدت، نقض حقوق بهداشتی و درمانی و استفاده از شیوه های خشن در بازجویی ها مهمترین مصداق های شکنجه در زندانی های آمریکا در سال ۲۰۱۴ بوده است.



• حبس انفرادی:

حبس های انفرادی طولانی مدت در زندان های آمریکا به ویژه زندان های ایالت های تگزاس و کالیفرنیا که بیشترین شمار زندان ها و زندانیان را در بین ایالات متحده آمریکا همچنان در سال ۲۰۱۴ تداوم داشته است. «ژوان مندز»، گزارشگر ویژه سازمان ملل در مورد سلول های انفرادی آمریکا گفته است تاثیرات روانی و جسمانی این زندان ها بر ساکنان خود، غیرانسانی است و می توان این نوع حبس ها را نوعی شکنجه تلقی کرد.

به خاطر دلایل حقوق بشری، آمار رسمی در مورد تعداد دقیق زندانیانی که در سلول های انفرادی های برای مدت طولانی نگه داشته می شوند، وجود ندارد اما طبق تخمین سازمان ها و نهادهای ملی و بین المللی مدافع حقوق بشر، بالغ بر ۸۰ هزار تن در زندان های آمریکا در حبس انفرادی طولانی مدت به سر می برند. این در حالی است که طبق کنوانسیون های بین المللی و قوانین بسیاری از ایالت های آمریکا، حبس انفرادی بیش از ۱۵ روز نوعی شکنجه محسوب می شود. بنا بر گزارش مرکز دفاع از حقوق مبتنی بر قانونی اساسی که نهادی ملی برای دفاع از حقوق بشر در آمریکا است، تنها در زندان پلکان^{۱۹} در ایالت

¹⁹ Pelican Bay

کالیفرنیا، ۵۰۰ زندانی بیش از ۱۰ سال در حبس انفرادی بودند و ۷۸ تن از آنها بیشتر از ۲۰ سال در سلول انفرادی نگه داشته شده اند. طبق گزارش این مرکز، زندانیان در مدت زمانی که در این زندان در سلول انفرادی بوده اند نه تنها حق ملاقات نداشتند بلکه حتی از تماس تلفنی با خانواده های خود محروم بودند و حتی با مواد غذایی تاریخ مصرف گذشته و بی کیفیت تغذیه می شوند.^{۲۰}

سازمان دیدبان حقوق بشر در گزارش ماه فوریه سال ۲۰۱۴ خود در مورد اجرای حبس های انفرادی طولانی مدت در زندان های آمریکا هشدار داد و این اقدام را جزو مصادیق شکنجه خواند. به نوشته روزنامه نیویورک تایمز، بیش از نیمی از خودکشی های زندانیان آمریکایی در سلول های انفرادی رخ می دهد، که این مسئله خود تائید کننده وضعیت دشوار این زندان ها است.

²⁰ Center for Constitutional Rights, Torture: The Use of Solitary Confinement in U.S. Prisons, Available at: <http://ccrjustice.org/files/CCR-Factsheet-Solitary-Confinement.pdf>



پس از اعتصاب غذای گسترده زندانیان زندان های کالیفرنیا و نیویورک در ژوئیه سال ۲۰۱۳ که در آن حدود ۳۰ هزار زندانی دست به اعتصاب چند هفته ای زدند، اصلاحاتی در قوانین زندان های این ایالتها رخ داد. طبق توافقی که در ماه مارس سال ۲۰۱۴ بین اتحادیه آزادی های مدنی نیویورک^{۲۱} و اداره زندانی

²¹ New York Civil Liberties Union

های نیویورک صورت گرفت، استفاده از حبس انفرادی برای زندانیان زیر ۲۲ سال، زندانیان باردار و کسانی که به بیمارهای روحی و روانی دچار شدند، محدود شده است.^{۲۲}

با این حال هنوز هم طبق داده ها و آمارها حبس انفرادی نه تنها در نیویورک و کالیفرنیا بلکه در زندان های بسیاری از ایالت های آمریکا مصداق مهم نقض حقوق بشر است. هنوز هم طبق آماری که موسسه دیدبان حبس انفرادی^{۲۳} منتشر کرده است، حدود ۸۱ هزار و ۶۲۲ تن در آمریکا حبس های انفرادی طولانی مدت خود را می گذرانند. این در حالی است که مقام های رسمی دفتر زندان های آمریکا در آخرین آماری که اعلام کردند مدعی شدند که تنها ۱۱ هزار و ۱۵۰ زندانی در حبس های انفرادی به سر می برند. همچنین مدت میانگین حبس های انفرادی در زندان های کالیفرنیا شش تا ۸ سال، در ایالت آریزونا ۵ سال، در ایالت تگزاس بیش از ۴ سال، در ایالت ویرجینیا دو سال و هفت ماه و در ایالت کالیفرنیا ۱۸ ماه تخمین زده شده است.^{۲۴} این زمان های میانگین نشان از بلندمدت بودن حبس های انفرادی در ایالات متحده دارد که تاثیرات مخرب روانی و جسمی سنگینی برای زندانیان به همراه دارد.

²² Human Rights Watch, "Letter to New York State Governor Cuomo Commending Agreement to Restrict Use of Solitary Confinement", Available at:

http://www.hrw.org/sites/default/files/related_material/2014_US_NYsolitaryletter.pdf

²³ Solitary Watch

²⁴ Solitary Watch, "Solitary Confinement:FAQ" Available at: <http://solitarywatch.com/wp-content/uploads/2012/01/Solitary-Confinement-FAQ-short-version.pdf>

«آلبرت وودفکس»، «هرمان والانس» و «رابرت کینگ» که به سه آنگولایی معروف شده اند، نمونه های بارزی از نقض حقوق بشر به واسطه حبس های انفرادی طولانی مدت بودند که در سال ۲۰۱۴ خبر ساز شدند. آنها از اواخر دهه ۱۹۶۰ به علت سازماندهی زندانیان برای تشکیل جنبشی در زندان به منظور پایان دادن به تجاوز و خشونت نظامند و کمک به زندانیان و دادن مشاوره حقوقی به آنها برای احقاق حقوقشان، در انفرادی نگه داشته می شدند. آلبرت وودفکس به اتهام قتل نگهبان زندان در ایالت لوئیزیانا ۴۱ سال از عمر خود را در حبس انفرادی گذراند. تسامورفی، پژوهشگر حوزه آمریکا در سازمان عفو بین الملل در مورد این زندانی گفته است که نگه داشتن وودفکس در حبس انفرادی بیشتر از این که به خاطر اجرای عدالت باشد، اقدامی تلافی جویانه است. وی گفت: «اتهامات مطرح شده علیه وی معایبی دارد و محکومیت او تاکنون سه بار تغییر کرده و نگهداری او در انفرادی غیر قابل درک است». وودفکس در سال ۱۹۷۲ به قتل یک نگهبان زندان محکوم شد اما مدرک محکمی و قابل قبولی برای اثبات جرم او وجود ندارد و او تنها بر اساس شهادت یک زندانی دیگر محکوم شده است.

هرمان والاس هم مصداق دیگر نقض حقوق بشر در زندان های انفرادی آمریکا بود که در سال ۲۰۱۴ تنها یک هفته پس از آزادی فوت کرد. وی پس از ۴۱ سال زجر کشیدن در سلول انفرادی به حکم دادگاه بی گناه معرفی شد و قاضی دادگاه ایالت لوئیزیانا آمریکای محکومیت او به قتل را به علت نبودن شواهد کافی

لغو کرد. او که ۴۱ سال منتظر آزادی خود بود، این آزادی را تنها هفت روز تجربه کرد و به علت شرایط جسمانی نامساعد درگذشت. والاس در سال های اخیر از سرطان کبد و ضعف جسمانی شدید رنج می برد.

«برادلی بالارد» زندانی که از بیمار روانی رنج می برد و در سال ۲۰۱۴ در زندان درگذشت مصداق دیگری از شکنجه زندانیان در سلول های انفرادی بود. وی به خاطر توهین به نگهبانان زن در زندان جزیره «ریکرز» در نیویورک به زندان انفرادی افتاد. بالارد توالی فرنگی سلول خود را مسدود کرد و این امر منجر به پر شدن سلول از آب فاضلاب شد. در اثر بی توجهی نگهبانان زندان به وضعیت سلول این زندانی بیمار، او پس از چند روز به خاطر آلودگی و عفونت بیهوش شد و پس از انتقال به بیمارستان فوت کرد.

۱-۵-۳. پنهانکاری و عدم مجازات شکنجه گران

در سال ۲۰۱۴ دولت آمریکا و کنگره این کشور دست به پنهانکاری و سانسورهای گسترده در زمینه پرونده های شکنجه در گوانتانامو و توسط ماموران سازمان اطلاعات مرکزی (سیا) زدند. زمانی که اوایل سال ۲۰۱۰، «وائل ابوضیاب»، یکی از زندانی های گوانتانامو از دولت آمریکا به خاطر بازداشت بدون اتهام و شکنجه شکایت کرد، «گلادیس کسلر»، قاضی پرونده حکم انتشار تصاویر مربوط به شکنجه وی برخی دیگر از زندانیان در گوانتانامو را صادر کرد اما فشار کاخ سفید و سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا بر قاضی پرونده منجر به تعویق انتشار این ویدئوها شد. این تصاویر مرتبط با شکنجه زندانیان زندان گوانتانامو از طریق تغذیه اجباری است. طبق این رای قاضی کسلر، دولت باید ۲۸ فیلم ویدیوی از ضیاب را که در آنها

مشخص است وی از طریق تغذیه اجباری شکنجه شده است، منتشر می کرد. دولت آمریکا و سازمان اطلاعات مرکزی با تاکید بر این استدلال که این تصاویر حاوی اطلاعات محرمانه و مرتبط با امنیت ملی است از قاضی فدرال پرونده ضیاب خواستند که در رای خود تجدید نظر کند. تحت این فشارها انتشار این ویدئوها به تعویق افتاده است.

در اقدامی دیگر در راستای سانسور حقایق ضد حقوق بشری شکنجه توسط ماموران سازمان سیا، در ماه دسامبر گزارشی که کمیته اطلاعات مجلس سنا آماده کرده بود زیر سانسور شدید قرار گرفت. پس از ماه بحث در مورد تبعات امنیتی انتشار این گزارش و به تعویق افتادن آن، نهایتاً این گزارش در دهم ماه دسامبر منتشر شد. اما سنای آمریکا تنها ۴۸۰ صفحه از گزارش شش هزار صفحه ای منتشر کرد. گزارش اصلی جزئیاتی را در مورد اقدامات سازمان سیا علیه القاعده و مظنونان تروریستی پس از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در بر داشت. جزئیاتی که در مورد شیوه های شکنجه سیا از جمله احساس خفگی مصنوعی، سرمازدگی، محرومیت از خواب، تحقیر روحی و روانی و عریان کردن مظنونان تروریستی بود.



اگر چه این گزارش که توسط کمیته اطلاعاتی سنا و تحت نظر سناتور دایان فاینستاین رئیس این کمیته تهیه شده، اطلاعات مهمی در مورد عاملین شکنجه داشت اما همانند تحقیقات وزارت دادگستری آمریکا که در سال ۲۰۱۴ انجام شد، منجر به پیگرد قضایی هیچ فردی نشد. ماموران سازمان سیا از سال های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۹، زمانی که اواما دستور توقف بازجویی های خشن و شکنجه را داد، ده ها مظنون تروریستی را زیر شکنجه هایی چون خفگی مصنوعی، عریان کردن، بی خوابی و ... قرار داده اند. با این حال وکلای سازمان سیا و بسیاری از سیاستمداران جمهوری خواه تاکید دارند که کاربرد این شیوه ها توسط ماموران سیا منجر به کشف بسیاری از نقشه ها و خطرات تروریستی علیه آمریکا شده است. تبدیل شدن گزارش ۶ هزار و ۳۰۰ صفحه ای به گزارش ۴۸۰ صفحه ای نشان از سانسوری بزرگ است که خود نقض

حقوق بازداشت شدگانی است که تحت شکنجه سیا قرار گرفته اند. مقامات امنیتی و نهادهای اطلاعاتی آمریکا توانستند به بهانه های امنیتی بخش های مهمی از این گزارش را هنوز محرمانه نگه دارند و دست به سانسور بزرگی بزنند و تصور می شود که این گزارش حاوی مطالب اصلی و مهم نباشد و تنها برای نشان دادن ژستی حقوق بشر دوستانه منتشر شد.

۱-۶. نقض حقوق اقلیت ها

برخورداری اقلیت های مذهبی، زبانی، نژادی و فرهنگی از حقوق برابر و عدم تبعیض دولت در قبال آنها یکی از موضوعات مهم حقوق بشر است که ماده دوم اعلامیه جهانی حقوق بشر، بند اول ماده ۲ میثاق حقوق مدنی و سیاسی و بند دوم ماده ۲ میثاق حقوق اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در کنار کنوانسیون ها و میثاق های دیگر از جمله منشور سازمان ملل متحد (بند ۳ و ۴ ماده اول و مواد ۵۵ و ۶۵) بر آن تاکید کردند. این بعد مهم حقوق بشر در سال ۲۰۱۳ در آمریکا در چند زمینه مهم زیر نقض شد:

۱-۶-۱. نقض حقوق سیاه پوستان توسط پلیس آمریکا

در سال ۲۰۱۴ همانند سال های گذشته یکی از موضوعات مهم در زمینه نقض حقوق بشر در ایالات

متحدہ آمریکا، برخورد خشن پلیس با سیاه پوستانی بوده که نیروهای پلیس به دلایل مختلف آنها را مظنون تلقی کرده است. این نوع نقض حقوق بشر در سال های گذشته هم در آمریکا مطرح بوده است اما سال ۲۰۱۴ به خاطر فاش شدن تصاویر مربوط به برخی از این قتل ها و علنی شدن نژاد پرستی پلیس برای مردم و به ویژه سیاه پوستان و همچنین افزایش شمار قربانیان خشونت پلیس منحصر به فرد است.



سازمان مستقلی به نام «پروپابلیکا» (propublica) در مورد قتل های پلیس آمریکا در طول سال های گذشته تحقیق کرده است. نتایج این تحقیقات در گزارشی در ماه اکتبر سال ۲۰۱۴ منتشر کرد، در این گزارش آمده است که در ۷۷ درصد از قتل های نیروهای پلیس بین سال های ۱۹۸۰ تا سال ۲۰۱۲، علت

تیراندازی و کشته شدن افراد «نامشخص» اعلام شده است؛ و در این موارد تمامی قربانیان سیاه پوست بودند. همچنین در این گزارش آمده که در ۶۲ درصد از موارد خشونت پلیس بین سالهای ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۲ که منجر به مرگ شده است، پلیس اعلام کرده که افسر یا افسران مورد حمله قرار گرفتند و دفاع از خود علت تیراندازی بوده است.

طبق مطالعات «پروپابلیکا» در مورد قتل های پلیس آمریکا در سال های ۲۰۱۰، ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ مورد تحقیق قرار گرفته است. طبق این مطالعه و بر اساس آمار پلیس فدرال آمریکا، در طول این سه سال یک هزار و ۲۱۷ تن در تیراندازیهای پلیس کشته شدند؛ ۳۱.۱۷ درصد از قربانیان این تیراندازها نوجوان سیاه پوست بین ۱۵ تا ۱۹ سال بودند. در حالی که تنها ۱.۴۷ درصد از این قربانیان نوجوان سفید پوست بین ۱۵ تا ۱۹ ساله بوده اند.

این در حالی است که بسیاری آمارهای مربوط به پلیس فدرال آمریکا را کامل و جامع نمی دانند زیرا این آمار بر اساس گزارش های داوطلبانه ای جمع آوری می شود که پلیس های ایالتی به پلیس فدرال آمریکا ارسال می کنند. برای مثال قتل اریک گارنر، سیاه پوستی که در نیویورک توسط پلیس کشته شد

در گزارش پلیس فدرال آمریکا نیامده است زیرا پلیس نیویورک مشارکتی در این برنامه داوطلبانه ندارد.^{۲۵}

به همین خاطر آمار پلیس فدرال کامل نمی تواند باشد؛ طبق آمار پلیس فدرال ۴۶۱ تن در سال ۲۰۱۳ توسط پلیس آمریکا کشته شدند اما آمارهای نهادهای غیر دولتی و سازمان های مردم نهاد نشان می دهد که از اول ماه مه تا ۳۱ دسامبر سال ۲۰۱۳ (تنها هشت ماه از سال)، ۷۴۸ تن توسط پلیس آمریکا کشته شدند.

طبق آمارهایی که توسط مردم و با کمک نهادهای غیر دولتی منتشر شده است تعداد قربانیان خشونت توسط پلیس آمریکا تا ۱۵ ماه دسامبر، یک هزار و ۲۹ تن بوده است. این آمار هم در یک وب سایت غیر دولتی^{۲۶} و هم در صفحه فیس بوکی^{۲۷} که به همین موضوع اختصاص داده شده مورد تأیید قرار گرفته است. در این وب سایت نام قربانیان خشونت پلیس و تاریخی که توسط پلیس کشته شدند و همچنین یک یا چند لینک از خبرگزاری های معتبر در مورد قتل ها وجود دارد.

سال ۲۰۱۴ از نظر این قتل های سیاه پوستان توسط پلیس منجر به اعتراضات دامنه داری شد،

²⁵ Jay Symopoulos , “Citizen Run Database Shows Over 1,000 People Killed by Cops in 2014” , December 10, 2014. Available at: <http://thefreethoughtproject.com/data-shows-1000-people-killed-cops-2014/>

²⁶ www.killedbypolice.com.

²⁷ <https://www.facebook.com/KilledByPolice>

منحصر به قرد بوده است. این اعتراضات در پی منتشر شدن تصاویری از صحنه قتل ها و همچنین تبرئه شدن افسران قاتل در بسیاری از شهرها و ایالت های آمریکا به ویژه دو ایالت میسوری و کالیفرنیا همه گیر شد. در زیر به چند مورد از قتل های پلیس که در سال ۲۰۱۴ بسیار برجسته شدند، اشاره می شود.

- قتل مایکل براون

مایکل براون، نوجوان ۱۸ ساله و سیاه پوست اهل شهر فرگوسن در روز نهم آگوست سال ۲۰۱۴، توسط افسر پلیسی به نام «دارن ویلسون» کشته شد. این افسر سفید پوست مدعی شد که در خودروی خود گیر کرده بوده و قبل از شلیک به نوجوان سیاه پوست با او درگیر شده است. وی در دادگاه گفت که مایکل براون قصد داشته اسلحه او را بگیرد و به همین علت با هم درگیر شدند و نهایتا مجبور به شلیک به سمت این نوجوان سیاه پوست شده است.



این در حالی است که اظهارات شاهدان قتل براون در تضاد با ادعاهای افسر پلیس بوده است. براون در زمان قتل غیر مسلح بوده است و چندین شاهد پیدا شدند که گفتند براون در زمان تیراندازی دستهایش را بالا گرفته بوده و اصلاً حمله ای به پلیس نکرده است. با این حال پلیس فرگوسن در اقداماتی تلاش کرد که شاهدان قتل مایکل براون را تحت فشار قرار دهد. پلیس فردی به نام «دوریان جانسون» را که شاهد قتل براون توسط پلیس بوده مورد بازجویی قرار داده است و حکم بازداشت وی را صادر کرده است. جانسون متهم شده که در دزدی در منطقه جفرسون که سال ۲۰۱۱ رخ داده مشارکت داشته است. همچنین این نوجوان سیاه پوست به دروغگویی به پلیس و بازرسان متهم شده است. به گفته پلیس او در مورد هویت و

سن خود حقیقت را نگفته است. اتهام دروغگویی اعتبار شهادت جانسون در مورد قتل برون را برای دادگاه کم کرد و نهایتاً دادگاه در ماه دسامبر افسر پلیس را از اتهام قتل تبرئه کرد. قتل براون و تبرئه قاتل او، منجر به اعتراضات گسترده ای در شهر فرگوسن و برخی مناطق ایالت میسوری شد که خود تبدیل به عرصه دیگری از نقض حقوق توسط پلیس و نیروهای ضد شورش آمریکا شد.

- قتل اریک گارنر

اریک گارنر در ۱۷ جولای سال ۲۰۱۴ توسط دانیل پانتالئو، افسر پلیس و دو تن از همکارانش کشته شد. این سیاه پوست ۴۳ ساله که پلیس به خاطر فروش غیرقانونی سیگار به او مشکوک شده بود، از ناحیه گردن و گلو تحت فشار قرار گرفته بود و پس از تحمل فشار زیاد کشته شد. در ویدئویی که از این حادثه منتشر شد، مشخص است که وی در حالی که روی زمین دراز کشیده و مقاومت زیادی از خود نشان نمی دهد، به افسران پلیس می گوید: «نمی توانم نفس بکشم». هیئت منصفه بررسی کننده پرونده قتل گارنر همانند دادگاه مایکل براون، افسران عامل قتل وی را از اتهام قتل تبرئه کرد. این تصمیم دادگاه منجر به اعتراضات شدیدی در مناطق مختلف ایالت کالیفرنیا شد.



- قتل آکای گورلی

آکای گورلی سیاه پوستی ۲۸ ساله در ۲۰ نوامبر سال ۲۰۱۴) زمانی که به همراه نامزد خود در حال ورود به پلکان یک پروژه مسکونی در بروکلین نیویورک بود توسط یک افسر پلیس به نام پیتز لیانگ که در بالای سر وی حضور داشت، هدف شلیک گلوله قرار گرفت و اصابت گلوله به فکسه سینه او منجر به مرگش شد. وی در زمان قتل غیر مسلح بود. پلیس شهر نیویورک این قتل را یک حادثه عنوان و اعلام کرد که تیراندازی توسط یک افسر پلیس تازه کار و زمانی انجام شده است که داخل راه پله بسیار تاریک بوده و پلیس نتوانسته است به خوبی چهره گورلی را ببیند و به همین خاطر وی را با مظنون تحت تعقیب

اشتباه گرفته است.^{۲۸}

- قتل واندريت ميرس

واندريت ميرس^{۲۹}، نوجوان ۱۸ و سياه پوست بود که در ماه اکتبر سال ۲۰۱۴، با شلیک ۱۸ گلوله توسط پلیس شهر فرگوسن، شهری که مایکل براون در آن به قتل رسیده بود، از پای در آمد. پلیس اعلام کرد که این نوجوان مسلح بوده و سه بار به سوی نیروهای پلیس شلیک کرده است و پلیس در مقابله با این نوجوان به سوی او تیراندازی کرده است. اما مشخص شده که پلیس شلیک کننده به او خارج از وظیفه و در حین خدمت نبوده است. این تیراندازی همزمان با اعتراضات ضد تبعیض نژادی در منطقه سنت لوئیس شهر فرگوسن رخ داد. برخی از معترضان که شاهد قتل واندريت ميرس بودند و او را می شناختند، بر خلاف گزارش پلیس این نوجوان سیاه پوست مسلح نبوده است. «تیونا میرس»، دختری عمومی واندريك به روزنامه محلی سنت لوئیس گفته است که پسرعمویش در زمانی که به قتل رسیده است، غیر مسلح بوده است. وی گفته است: «او یک ساندویچ در دست داشته و شاید پلیس تصور کرده است که

²⁸ Stephanie Clifforddec , “Brooklyn Grand Jury to Examine Akai Gurley Shooting Death” . 5, December, 2014. Available at: http://www.nytimes.com/2014/12/06/nyregion/brooklyn-grand-jury-to-examine-akai-gurley-shooting-death.html?_r=0

²⁹ Vonderrit Deondre Myers

اسلحه در دست دارد. قتل او مانند مایکل برون بوده و گویی قتل او دوباره تکرار شده است.» افسر پلیس ۱۷ گلوله به سمت واندریک میرس شلیک کرده بود که بنا بر گزارش پلیس و خبرگزاری ها، ۷ تا ۸ گلوله به بدن این نوجوان سیاه پوست اصابت کرده بود^{۳۰}. قتل واندریک مایرس تنها دو ماه پس از قتل «مایکل براون» نوجوان سیاه‌پوست اهل شهر فرگوسن رخ داد که خشم مردم این شهر و ایالت میسوری را برانگیخت و منجر به از سرگیری اعتراضات ضد خشونت پلیس علیه سیاهان شد^{۳۱}.

- قتل ازل فورد

«ازل فورد»، ۲۴ ساله یکی دیگر از سیاه‌پوستانی بود که قتل او توسط پلیس در سال ۲۰۱۴ خبرساز شد. وی در ماه آگوست توسط پلیس لس آنجلس کشته شد. خانواده این سیاه‌پوست جوان اعلام کردند که او از مشکلات روانی رنج می‌برد. او پس از درگیری با پلیس در ایست بازرسی درگیر شده بود و پلیس به خاطر نافرمانی به او شلیک می‌کند. پلیس شهر لس آنجلس در بیانیه‌ای اعلام کرد که ازل فورد با پلیس درگیر شده است و قصد داشته به زور اسلحه یک افسر پلیس را بگیرد که یک افسر دیگر به او

³⁰Ralph Ellis and Ed Payne, "Medical examiner: St. Louis officer shot teen 7 or 8 times", Available at: <http://edition.cnn.com/2014/10/09/us/st-louis-officer-shooting/>

³¹ Yamiche Alcindor and Doug Stanglin, "Protests resume in St. Louis over police shooting", Available at: <http://www.usatoday.com/story/news/nation/2014/10/09/st-louis-police-shooting-white-officer-black-teen/16959545/>

شلیک کرده است . با این حال، «تریتوبیا فورد»، مادر ازل فورد بارها اعلام کرد که طبق گفته شاهدان فرزندش بر روی زمین دراز کشیده بوده و دستورات افسران پلیس را اجرا می کرده اما پلیس به سوی او سه تیر شلیک کرده است^{۳۲}. این قتل تنها دو روز پس از قتل مایکل براون در فرگوسن ایالت میسوری انجام شد و منجر به اعتراضات زیادی در لس آنجلس و برخی مناطق ایالت کالیفرنیا شد. با وجود این اعتراضات، افسری که به ازل فورد شلیک کرد به قتل متهم نشد و تنها از شغل خود استعفاء داد. این در حالی بود که خانواده ازل فورد و شاهدان دیگر گفته بودند که ازل در زمان تیراندازی بر روی زمین دراز کشیده بود^{۳۳}.

³² Thomas Johnson, "Ezell Ford: The mentally ill black man killed by the LAPD two days after Michael Brown's death", 15, August, 2014, Available at: <http://www.washingtonpost.com/news/morning-mix/wp/2014/08/15/ezell-ford-the-mentally-ill-black-man-killed-by-the-lapd-two-days-after-michael-browns-death/>

³³ John A. Moreno, Melissa Pamer and Nerissa Knight, "John A. Moreno, Melissa Pamer and Nerissa Knight Police Fatally Shoot Man in South L.A.; Family Members Say He Was Lying Down When Shot", August 12, 2014, Available at: <http://ktla.com/2014/08/12/man-hospitalized-after-being-shot-by-police-in-south-l-a/>



۱-۶-۲. نقض حق اعتراض سیاه پوستان و بازداشت گسترده آنها

زمانی که اعتراضات سیاه پوستان شهر فرگوسن در سال ۲۰۱۴ پس از قتل مایکل براون، نوجوان سیاه پوست اهل این شهر بالا گرفت. پلیس برخورد شدیدی با آنها کرد و بارها با استفاده از گاز اشک آور و گلوله های پلاستیکی آنها را سرکوب کرد. همچنین تعداد زیادی از معترضان توسط نیروهای امنیتی و گارد ملی آمریکا بازداشت شدند. سازمان های بین المللی مدافع حقوق بشر در سال ۲۰۱۴ بارها در مورد برخورد پلیس با معترضان فرگوسن به مقامات ایالتی و فدرال آمریکا هشدار داد. سازمان عفو بین الملل در گزارشی که ۲۳ اکتبر سال ۲۰۱۴ منتشر کرد، شیوه برخورد پلیس با معترضان به قتل مایکل براون را مورد انتقاد

قرار داده است و از دولت آمریکا و دولت ایالت میسوری خواسته است به حق اعتراض مسالمت آمیز مردم شهر فرگوسن احترام بگذارد. عفو بین الملل تاکید کرد که «دولت آمریکا باید علیه بدرفتاری و استفاده از نیروی کشنده توسط نیروهای پلیس اقدام کند».^{۳۴} سازمان دیدبان حقوق بشر هم در ۱۹ نوامبر سال ۲۰۱۴، در گزارشی از آمریکا خواست که با معترضان در ایالت میسوری برخورد نامتناسب نداشته باشند و حقوق اساسی آنها برای اعتراض علیه وضعیت موجود علیه سیاه پوستان را رعایت کنند. دیدبان حقوق بشر استفاده گسترده از گاز اشک آور و ممانعت از برگزاری تظاهرات های مسالمت آمیز را نقض حقوق بشر تلقی کرد.^{۳۵} دیدبان حقوق بشر همچنین در ۲۷ اکتبر سال ۲۰۱۴ در نامه ای سرگشاده به جی نیکسون، فرماندار ایالت میسوری علاوه بر انتقاد از وضعیت حقوق معترضان در این ایالت و شیوه برخورد با آنها، از وی خواست که یک کمیسیون تحقیق تشکیل دهد تا در برخورد پلیس با معترضان به نژادپرستی مورد بررسی قرار گیرد.^{۳۶} در طول دو ماه و نیم تظاهرات ضد نژادپرستی در ایالت میسوری نزدیک به یک هزار تن در این شهر توسط پلیس بازداشت شدند که برخی خبرنگاران جزو بازداشت شدگان بودند.^{۳۷}

³⁴ <http://www.amnestyusa.org/sites/default/files/onthestreetsofamericaamnestyinternational.pdf>

³⁵ <http://www.hrw.org/news/2014/11/19/us-respect-rights-ferguson-protesters>

³⁶ Human Rights Watch, "Letter to Missouri Governor Jay Nixon About Ferguson Commission Recommendations", Available at: <http://www.hrw.org/news/2014/10/27/letter-missouri-governor-jay-nixon-about-ferguson-commission-recommendations>

³⁷ Byers, Dylan; Gold, Hadas (August 13, 2014). "Reporters arrested in Ferguson". Available at: <http://www.politico.com/blogs/media/2014/08/reporters-arrested-in-ferguson-193914.html>



پس از قتل اریک گارنر، سیاه پوستی که توسط پلیس خفه شد و آغاز اعتراضات در ایالت کالیفرنیا در روزهای پایانی سال ۲۰۱۴، پلیس برخورد شدیدی با معترضان در این ایالت صورت گرفت. پلیس به طور گسترده در مناطق برکلی، وستفیلد و سانفرانسیسکو دست به بازداشت معترضان زد^{۳۸}. این رفتار با معترضان در سال ۲۰۱۴ در برخورد با اعتراضات مشابه در شهرهای دیگر آمریکا از جمله نیویورک، لس آنجلس و واشنگتن نیز صورت گرفت.

³⁸ Police arrest more than 200 people after protesters block Interstate 80, Available at: <http://www.dailycal.org/2014/12/09/police-arrested-150-people-protestors-block-interstate-80/>

این اقدامات دولت های محلی و فدرال آمریکا نه تنها نقض کننده متمم نخست قانون اساسی ایالات متحده است بلکه کنوانسیون های ناظر بر حقوق بشر را نیز نقض کرده است. بر اساس متمم نخست قانون اساسی، «کنگره نباید در راستای رسمیت دادن به یک دین، یا منع پیروی آزادانه از آن یا محدود ساختن آزادی بیان یا مطبوعات یا حق مردم برای برپایی اجتماعات آرام و دادخواهی از حکومت برای جبران خسارت، قانونی را وضع نمی کند.» همچنین سرکوب معترضان در سال ۲۰۱۴ در آمریکا، ناقض ماده ۲۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر است که بر مبنای آن «هر کسی حق دارد که آزادانه تجمع اعتراضی داشته باشد یا انجمن تشکیل دهد»^{۳۹}. همچنین پلیس و دولت امریکا در سرکوب معترضان مواد ۲۱ و ۲۲ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی را نقض کردند؛ بر طبق این مواد، «حق تشکیل مسالمت آمیز مجامع به رسمیت شناخته میشود. هیچ محدودیتی در مورد اعمال این حق صورت نمی گیرد مگر مطابق قانون آنهم در یک جامعه دموکراتیک و بطور ضروری در جهت نفع (مصلحت) امنیت ملی، ایمنی عمومی، نظم عمومی، حفاظت از سلامت و اخلاق عمومی و یا حفاظت از آزادیهای دیگران باشد.» (ماده ۲۱). «هر کس حق آزادی (تشکیل) اجتماعات با دیگران را دارد. این حق شامل تشکیل و پیوستن به اتحادیه ها و برای حفاظت علاقه مندیها و منافع خود می باشد.» (بند اول ماده ۲۲). همچنین در بند دوم همین ماده از میثاق

³⁹ <http://www.un.org/en/documents/udhr/>

حقوق مدنی و سیاسی آمده است: «اعمال این حق تابع هیچگونه محدودیتی نیست مگر اینکه این محدودیتها مطابق قانون آنها در یک جامعه دموکراتیک و بطور ضروری جهت نفع (مصلحت)، امنیت ملی، ایمنی عمومی، نظم عمومی، حفاظت از سلامت و اخلاق عمومی و یا حفاظت از آزادیهای دیگران باشد. این ماده مانع از آن نمی شود که اعضاء نیروهای مسلح و پلیس در اعمال این حق، تابع محدودیتهای قانونی باشند»^{۴۰}.

همچنین دولت های ایالتی و فدرال آمریکا در سرکوب معترضان ضد نژادی به طور خاص مواد ۴ و ۵ کنوانسیون بین المللی رفع هر گونه اشکال تبعیض نژادی را که ناظر بر حقوق برابر اقلیت ها برای تجمع و مسالمت آمیز است، به شدت نقض کرده است.^{۴۱}

۱-۶-۳. نقض حقوق سیاه پوستان در نظام قضایی

نظام قضایی آمریکا در سال ۲۰۱۴ به شیوه های مختلف حقوق سیاه پوستان آمریکا را نقض کرده است و با آنها همانند شهروند درجه دو رفتار شده است. مهمترین زمینه هایی که در سال ۲۰۱۴ حقوق سیاه

⁴⁰ International Covenant on Civil and Political Rights, Available At:

<http://treaties.un.org/doc/Publication/UNTS/Volume%20999/volume-999-I-14668-English.pdf>.

⁴¹ international convention on the elimination of all forms of racial discrimination citation, Available at:

<http://www.state.gov/documents/organization/100294.pdf>

پوستان توسط نظام قضایی ایالات متحده آمریکا نقض شده است، موارد زیر هستند:

- سوء استفاده از قانون دفاع مرگبار علیه سیاه پوستان

در سال ۲۰۱۴، نظام قضایی آمریکا به روند خود در تیرئه افسران سفید پوستی که اقدام به تیراندازی و کشتن سیاه پوستان کرده بودند، ادامه داد. این تیرئه ها به بهانه های مختلف صورت گرفت ولی در حمله آنها در نهایت به قانون دفاع مرگبار توسل شده بود. در بسیار از این قتلها با استناد به همین قانون حتی افسر قاتل بازداشت موقت هم نشد. طبق قانون دفاع مرگبار، قتلی که در دفاع از خود و در زمانی که مشخص شود فرد جانش در تهدید بوده، صورت بگیرد مجازاتی در بر ندارد. طبق قانون دفاع مرگبار که در غالب ایالت های آمریکا وجود دارد، افراد می توانند در صورت ورود بدون اجازه شخص یا اشخاصی به ملک و یا وسیله نقلیه خود و یا اگر مورد حمله قرار گرفتن، از خود به صورت مسلحانه دفاع کنند. در این قانون آمده که وقتی مالک یا هر فرد دیگری جان خود را در خطر ببیند، دلیلی ندارد که در استفاده از سلاح دچار تردید گردد. طبق همین قانون اگر شخصی با چنین شرایطی مواجه شده و اقدام به تیراندازی کند و فرد متجاوز و یا حمله کننده را بکشد از اتهام قتل به طور کلی تیرئه خواهد شد.

در ۷۷ درصد از قتل هایی که توسط پلیس آمریکا صورت گرفته است، علت تیراندازی و کشته شدن

افراد «نامشخص» اعلام شده است؛ و در این موارد تمامی قربانیان سیاه پوست بودند. همچنین در ۸۸ درصد از موارد خشونت مسلحانه پلیس که به قتل سیاه پوستان منجر شده است، دادگاه های آمریکا به طور مستقیم با توسل به قانون دفاع مرگبار، قاتلان را از اتهام قتل تبرئه کرده است. در این موارد دادگاه نتیجه گرفته است که افسر آن پلیس مورد حمله قرار گرفتند و دفاع از خود تیراندازی بوده است.^{۴۲}

این آمار نشان می دهد که قانون دفاع مرگبار برای تبرئه افسران قاتل سیاه پوستان در آمریکا به طور وسیع مورد سوء استفاده قرار گرفته است و این روند هنوز هم تداوم دارد. این قانون تا کنون منجر به تبرئه قاتلان مایکل براون، ازل فورد و اریک گارنر شده است. حمایت قاطع و ضد حقوق بشری نظام قضایی آمریکا از پلیس های سفید پوست علیه سیاه پوستان باعث شده است که نیروهای پلیس در شلیک به سیاه پوستان جسارت زیادی پیدا کنند؛ بنا بر مطالعه نهادهای غیر دولتی مدافع حقوق سیاه پوستان در هر ۲۸ ساعت یک سیاه پوست توسط پلیس کشته می شود.^{۴۳} همچنین در سال ۲۰۱۴ برخی دادگاه ها حکم تبرئه افسرانی را که در سال های گذشته سیاه پوستانی را کشته بودند، صادر کردند که مهمترین نمونه آن تبرئه قاتلان میلتنون هال بود.

⁴³ Malcolm X Grassroots Movement, "Operation Ghetto Storm," Available at: <https://mxgm.org/wp-content/uploads/2013/04/Operation-Ghetto-Storm.pdf>

• تبریئه افسران قاتل میلتنون هال

قتل «میلتنون هال» در ماه ژوئیه سال ۲۰۱۲ رخ داد اما سال ۲۰۱۴ خیر ساز شد. زیرا در این سال یک ویدئو در مورد این قتل منتشر شد و همچنین دادگاه بررسی کننده پرونده قتل او افسرانی که به او شلیک کردند را از اتهام قتل تبریئه کرد. این قتل که در پارکینگ یک مرکز خرید و فروش خودرو در منطقه ساگیناو در شهر میشیگان رخ داد، اوج خشونت پلیس علیه سیاهان و نقض حقوق آنها را به نمایش گذاشت. در تصاویر منتشر شده مشخص است که ماموران پلیس میلتنون هال را محاصره کردند و با شلیک چهل و شش گلوله وی را از پای در می آورند. ملیتون هال سیاه پوست فقیری بوده است که بر مبنای برخی گزارش ها از بیماریهای ذهنی هم رنج می برد. قتل دردناک او زمانی رخ داده که میلتنون هال با فردی که صاحب مغازه در مجتمع تجاری



بوده درگیری لفظی پیدا می کند و این صاحب مغازه به پلیس زنگ می زند. پلیس به میلتن دستور می دهد که روی زمین دراز بکشد اما وی این کار را نمی کند و شروع به راه رفتن به سوی پلیس می کند و نیروهای پلیس بلافاصله شلیک به او را آغاز می کنند و ۴۶ گلوله به سوی او شلیک می کنند.^{۴۴} گفته شده که این فرد تنها به یک چاقو مسلح بوده است و با حضور هشت نیروی پلیس که مسلح بودند، نمی توانسته تهدیدی جدی علیه آنها یا هر کس دیگری تلقی شود. همچنین در تصاویر منتشر شده مشخص

⁴⁴ RT, "8 white cops, 1 black homeless man, 46 bullets", October 30, 2014, Available at: <http://rt.com/usa/200855-police-white-shooting-hall/>.

می شود که پس از تیراندازی به سوی این مرد ۴۹ ساله، در حالی که ۱۴ گلوله به بدنش اصابت کرده است و او در حال جان دادن است نیروهای پلیس به او دستبند می زنند و او را روی زمین می کشند و حتی یکی از افراد پلیس لگدی بر پشت او می زند^{۴۵}.

با این حال هیات منصفه دادگاه بررسی کننده پرونده قتل هال، در رای نهایی خود که در ماه اکتبر سال ۲۰۱۴، اعلام شد هیچ یک از هشت افسر پلیس که به سوی هال شلیک کرده بودند را متهم به قتل نکرد. در رای دادگاه آمده بود که مدارک کافی و مستندی در مورد تهدید نبودن میلتن هال علیه پلیس در حالی که چاقو در دست داشته است، وجود ندارد^{۴۶}.

۱-۶-۴. تبعیض نژادی در دانشگاه های آمریکا

تبعیض نژادی در دانشگاه های آمریکا یکی از موارد نقض حقوق اقلیت ها و حقوق بشر بود که در سال ۲۰۱۴ برای نخستین بار مطرح و علنی شد. با افزایش فزاینده دانشجویان خارجی در دانشگاه های

⁴⁵ “Video shows police officers shoot at Milton Hall 46 times for holding penknife”, 28 Oct 2014 . Available at: www.dailymail.co.uk/.../Shocking-new-video-shows-police-officers-shoot-mentally-ill-man-Milton-Hall-46-times-holding-penknife.html

⁴⁶ Lauren Walker, “Two Years Later, No Charges After Police Kill Homeless Man in Barrage of 46 Shots” 28 October, 2014 . Available at: <http://www.newsweek.com/two-years-later-no-charges-after-police-kill-homeless-man-barrage-46-shots-280609>

آمریکا، برخی دانشگاه‌های این کشور سیاستی در پیش گرفتند که کار پذیرش برای آسیایی‌ها را دشوار تر کنند و دیگر کمتر از کشورهای آسیایی دانشجوی بگیرند. طبق آماري که موسسه آموزش بين المللي⁴⁷ منتشر کرده است شمار دانشجویان خارجی به ویژه دانشجویان آسیایی در سالهای اخیر افزایش بی سابقه ای داشته است و به ۹۰۰ هزار دانشجو رسیده است. این امر باعث شده که برخی دانشگاه‌های آمریکا به سیاست «درهای باز» در پذیرش دانشجو پایان دهند و عامل نژاد را در پذیرش دانشجو تاثیر دهند. سیاست درهای باز از سال ۲۰۰۰ اجرا شد و بر اساس همین سیاست دانشجویان خارجی در ایالات متحده در طول یک دهه، ۷۲ درصد افزایش داشته باشند. طبق آمار این موسسه، در دو سال ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴، دانشجویان چینی حدود ۱۷ درصد نسبت به سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۱۲ در دانشگاه‌های آمریکا افزایش داشته اند؛ دانشجویان کویتی ۴۳ درصد، دانشجویان برزیلی ۲۲ درصد، دانشجویان ایرانی ۱۷ درصد و دانشجویان عربستانی ۲۱ درصد در ایالات متحده بیشتر شده اند. طبق این آمار دانشجویان هندی پس از چین بیشترین جمعیت را در دانشگاه‌های ایالات متحده دارند و حدود ۱۰ درصد کل دانشجویان خارجی در آمریکا در سال ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ را دانشجویان هندی تشکیل می دهند. افزایش شمار دانشجویان آسیایی تبار در آمریکا منجر به آن شد که برخی دانشگاه‌ها در سال ۲۰۱۴، پذیرش آنها را دشوار کنند و

⁴⁷ Institute of International Education

دانشجویان اروپایی و آمریکایی را به آنها ترجیح دهند.

سازمان «طرح نمودِ عادلانه»^{۴۸} که سازمانی غیر دولتی است در ماه نوامبر سال ۲۰۱۴ به خاطر سیاست تبعیض نژادی در پذیرش دانشجو از دانشگاه های هاروارد و کارولینای شمالی شکایت کرد. طبق دادخواست این سازمان دانشگاه هاروارد و کارولینای شمالی شمار محدودی از دانشجویان آسیایی تبار را پذیرش می کند و ترجیح می دهد دانشجویان از نژادهای اروپایی و آمریکایی باشند^{۴۹}. این سازمان در حمایت از چندین متقاضی تحصیل در این دو دانشگاه به دادگاه شکایت کرده است. این متقاضیان که همگی آسیایی هستند معتقدند که حق آنها در روند پذیرش پایمال شده است. طبق این شکایت، دانشگاه هاروارد و کارولینای شمالی حکم دیوان عالی آمریکا در سال ۲۰۱۳ میلادی را در مورد عدم تبعیض نژادی در آموزش را نقض کرده اند. بر اساس این حکم، پذیرش دانشجو باید بدون مد نظر قرار دادن نژاد آنها صورت بگیرد. سازمان « طرح نمودِ عادلانه» همچنین دانشگاه هاروارد را به نقض حقوق شهروندی و چهاردهمین بند متمم قانون اساسی آمریکا متهم کرده است^{۵۰}. با این حال، هنوز مقامات آموزشی ایالات

⁴⁸ Project on Fair Representation

⁴⁹ The Economist, “ Harvard under fire”, Nov 25, 2014, Available at:

<http://www.economist.com/blogs/democracyinamerica/2014/11/affirmative-action>

⁵⁰ Hanna Sanchez, “Student Sues Harvard College over Racial Discrimination in Admissions Process”, Nov 25, 2014 , Available at: <http://www.ischoolguide.com/articles/4781/20141125/student-sues-harvard-college-over-racial-discrimination-admissions-process.htm>

متحده و همچنین کاخ سفید و کنگره برای از بین بردن این سیاست تبعیض نژادی در پذیرش دانشجو اقدامی انجام ندادند.

۱-۷. نقض حقوق بشر در مبارزه با ابولا

نقض حقوق بشر در روند مبارزه با ابولا و قرنطینه افراد مبتلا به این بیماری و کسانی که مشکوک به داشتن آن بودند، نمونه ای جدید از نقض حقوق بشر در سال ۲۰۱۴ در آمریکا بود. در این سال بنا بر اظهارت برخی افراد که مشکوک به ابتلا به بیماری کشنده ابولا بودند، ماموران بهداشتی و درمانی دولت های محلی و فدرال آمریکا با افرادی که در قرنطینه بودند رفتار مناسبی نداشتند و به حقوق آنها تجاوز کرده و آنها را مورد بد رفتاری قرار داده اند. «کاسی هیکوکس»، پرستار زنی که در غرب آفریقا مشغول مبارزه با بیماری ابولا بود و پس از مدتی به آمریکا بازگشت، مصداق مهم این نوع نقض حقوق بشر در آمریکا بود. این پرستار ۳۳ ساله در مصاحبه های خود تاکید کرده بود از زمانی که وارد نیوجرسی شد و در فرودگاه تحت آزمایش قرار گرفت، با او بد رفتاری شده است. هیکوکس به دستور کریس کریستی،

فرماندار ایالت نیوجرسی قرنطینه شده بود و از فرودگاه به چادری برای قرنطینه منتقل شده بود.^{۵۱}

در آزمایش های اولیه از این پرستار مشخص نشده است که به ابولا مبتلا است اما به خاطر برخی نشانه هایی مانند دمای بالای بدن، قرنطینه شده بود. او به برنامه «تودی» در شبکه خبری ان بی سی گفت: «سیاست دولت در قبال بیماران مشکوک به داشتن ابولا یا مبتلا به ابولا نه از نظر قانونی و نه از نظر علمی توجیه پذیر نیست. من دست روی دست نخواهم گذاشت تا سیاستمداران بر من حکمرانی کنند و مرا مجبور به حبس شدن در خانه کنند در حالی که خطری برای مردم آمریکا نیستم.»

⁵¹ CNN Wire, "Ebola nurse claims forced quarantine violates her human Rights", October 26, 2014, Available at: <http://kdvr.com/2014/10/26/ebola-nurse-claims-forced-quarantine-violates-her-human-rights/>



این پرستار ۲۱ روز را طبق قانون نیوجرسی در قرنطینه اولیه بوده ولی پس از این دوره بازهم در خانه خود تحت قرنطینه قرار گرفت و به نوعی محسوس شد. گزارش های مشابه ای از بدرفتاری با بیماران مشکوک به داشتن ابولا در ایالت های نیوجرسی و نیویورک منتشر شد. در این موارد ترس از شیوع بیماری ابولا منجر به نقض شدید حقوق مبتلایان به این بیماری و همچنین افراد مشکوک به داشتن آن شده

۸-۱. نقض حریم خصوصی

شنود، جاسوسی و تجاوز به حریم خصوصی مشترکان تلفن و کاربران اینترنت در سال ۲۰۱۴ توسط نهادهای امنیتی آمریکا یکی دیگر از موارد نقض حقوق بشر در این کشور بود. در این سال، نهادهایی مانند آژانس امنیت ملی با وجود افشاگریهایی که ادوارد اسنودن، پیمانکار سابق این سازمان انجام داده بود، دست به شنود مکالمات و یا گردآوری داده های مربوط به کاربران اینترنت زد.

⁵² Rosa Prince, "US nurse sues after being forced into quarantine as she returned from treating Ebola patients in Sierra Leone" 26 Oct 2014, Available at: <http://www.telegraph.co.uk/news/worldnews/ebola/11188874/US-nurse-sues-after-being-forced-into-quarantine-as-she-returned-from-treating-Ebola-patients-in-Sierra-Leone.html>



گزارش هایی که در ماه نوامبر سال ۲۰۱۴ منتشر شد نشان داد که آژانس امنیت ملی آمریکا حدود ۳۰ درصد از تماس های تلفنی کل آمریکایی ها را ضبط می کند.^{۵۳} همچنین اسنادی که توسط ادوارد اسنودن در ماه آگوست سال ۲۰۱۴ فاش شد، نشان داد که سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) اسناد مربوط به مبادلات مالی شهروندان آمریکایی را در سطح وسیعی ثبت و آرشیو کرده است.^{۵۴} دو روزنامه آمریکایی وال استریت ژورنال و نیویورک تایمز فاش کردند که این اقدامات جاسوسی با تکیه به قانون موسوم به «پیتریوت اکت» صورت گرفته است که پس از ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ لازم الاجرا شده است.

⁵⁴ Alan M. Dershowitz , “Snowden case reveals a program with few checks and little accountability”, September 15, 2014. Avialable at: <http://www.bostonglobe.com/opinion/2014/09/14/dershowitz/nUBlr9N3HmWNSkQEX8OmGJ/story.html>

به گفته مقامات امنیتی و مقامات ضد تروریستی آمریکا، هدف از این برنامه های جاسوسی پر کردن خلائی است که مقامات از آن به عنوان شکاف مهم در توانایی پی گیری عوامل تامین کننده منابع مالی شبکه های تروریستی در سطحی جهانی نام می برند. «دین بوید»، سخنگوی سازمان سیا با اذعان به این برنامه های جاسوسی پس از فاش شدن اسناد آن، گفته است که جمع آوری این اطلاعات قانونی است و سیا، از ملت و حقوق حریم شخصی شهروندان امریکایی محافظت می کند و اطمینان می دهد که فعالیت های گردآوری اطلاعات مطابق با قوانین امریکا و هدف آن دستیابی به اطلاعات خارجی و اطلاعات جاسوسی است.^{۵۵}

یکی از مواردی که دیدبان حقوق بشر در نامه چهارم ژانویه سال ۲۰۱۴ به کمیته حقوق بشر سازمان ملل در مورد وضعیت حقوق بشر در آمریکا بر آن تاکید کرده بود، اقدامات ضد تروریستی آمریکا و ناهمخوانی آنها با معیارهای جهانی حقوق بشر است. این نامه پیش از نشست ماه مارس کمیته حقوق بشر در مورد آمریکا منتشر شد.^{۵۶}

کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد در نشست های ۱۳ و ۱۴ ماه مارس خود که برای بررسی برنامه

⁵⁵ Kim Zetter, Personal Privacy Is Only One of the Costs of NSA Surveillance, July, 29, 2014, Available at: <http://www.wired.com/2014/07/the-big-costs-of-nsa-surveillance-that-no-ones-talking-about/>

⁵⁶ UN Human Rights Watch, "US: Human Rights Watch Submission to the UN Human Rights Committee", Available at: http://www.hrw.org/sites/default/files/related_material/HRW%20Submission%20to%20the%20HRC.pdf

های جاسوسی آمریکا و نقض حریم خصوصی برگزار شد، در این زمینه هشدار داد. «اندری پراسو»^{۵۷}، مقام ارشد سازمان دیدبان حقوق بشر در این زمینه گفت: «ایالات متحده آمریکا خود را در زمینه احترام حقوق مدنی و سیاسی رهبر و پیشرو نشان می دهد، اما اسناد و مدارک نشان می دهد بین عملکرد و گفته های این کشور تناقض های زیادی وجود دارد و آمریکا راه زیادی برای تطابق این دو رویه با هم در پیش دارد.»^{۵۸} پس از محرز شدن نقض حریم خصوصی در نشست های کمیته حقوق بشر سازمان ملل، این کمیته خطاب به مقامات آمریکا خواست که هرچه سریعتر برنامه های جاسوسی را معلق کنند. این کمیته اقدامات آمریکا در زمینه های جاسوسی را نقض آشکار ماده ۱۷ کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی خواند که آمریکا آن را در سال ۱۹۹۲ تصویب کرده است.^{۵۹}

برنامه های نظارتی و ضد تروریستی ناقض حقوق بشر در سال ۲۰۱۴ در حالی ادامه داشتند که سازمان دیدبان حقوق بشر در ۱۶ ژانویه سال ۲۰۱۴ در نامه ایی خطاب به «باراک اوباما»، رئیس جمهوری آمریکا از وی خواست که برنامه های نظارتی و ضد تروریستی این کشور را اصلاح کند تا حریم خصوصی مردم

⁵⁷ Andrea Prasow

⁵⁸ Human Rights Watch, "US: Surveillance Practices Violate Rights, US Record Under Review at UN", Available at: <http://www.hrw.org/news/2014/03/12/us-surveillance-practices-violate-rights>

⁵⁹ Human Rights Watch, "US: Surveillance Practices Violate Rights, US Record Under Review at UN", Available at: <http://www.hrw.org/news/2014/03/12/us-surveillance-practices-violate-rights>

حفظ شود و ناقض حقوق بشر نباشد.^{۶۰}

تنها اقدام مثبت در زمینه منطبق کردن برنامه های نظارتی نهادهای امنیتی با معیارهای جهانی و ملی آمریکا در زمینه حقوق بشر، ارائه لایحه اصلاحی برای این برنامه ها از سوی اوباما به کنگره بود. به گفته رئیس جمهوری آمریکا، محور طرح وی این بود که آژانس امنیت ملی آمریکا و نهادهای امنیتی دیگر مانند پلیس فدرال، تنها با تایید دادگاه به داده های مرتبط با تماس های تلفنی مردم دسترسی پیدا کنند. اگر چه اوباما لایحه اصلاحی برای برنامه نظارتی را به کنگره ارسال کرد اما کنگره در سال ۲۰۱۴ نه تنها این لایحه را بررسی و مورد رای گیری قرار نداد بلکه در اقداماتی به برنامه های نظارتی ضد حقوق بشری دامن زد و قدرت و مشروعیت زیادی به آژانس امنیت ملی و اقدامات آن داد.^{۶۱} کنگره با این اقدام به اجرای «قانون میهن دوستی»^{۶۲} آمریکا در سال ۲۰۱۴ تداوم داد. این قانون که پس از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در کنگره آمریکا تصویب شد مبنای اصلی برنامه های نظارتی بوده است. سازمان عفو بین الملل، دیدبان حقوق بشر، کمیته حقوق بشر سازمان ملل و اتحادیه آزادی های مدنی آمریکا بارها خواستار لغو و یا اصلاح

⁶⁰UN Human Rights Watch, "Letter to President Obama Urging Surveillance Reforms", 16 Jan 2014, Available at:

http://www.hrw.org/sites/default/files/related_material/Obama%20surveillance%20review%20letter%2001-16-13.pdf

⁶¹ Mike Masnick, "How Congress Secretly Just Legitimized Questionable NSA Mass Surveillance Tool", Dec, 12, 2014. Available at: <https://www.techdirt.com/articles/20141212/07421729414/how-congress-secretly-just-legitimized-questionable-nsa-mass-surveillance-tool.shtml>

⁶² The Patriot Act

این قانون شدند. طبق این قانون قوه مجریه می تواند آزادانه تر نسبت به گذشته برای مقابله یا حملات تروریستی اقدامات پیشگیرانه کند. بر مبنای این قانون نهادهای امنیتی آمریکا با جاسوسی و نظارت بر حریم خصوصی مردم بارها این حریم را نقض کرده اند.

علاوه بر آژانس امنیت ملی آمریکا، پلیس این کشور هم به ابزارهای جاسوسی مجهز است که از طریق آنها می تواند، کاربران تلفن های موبایل را ردیابی کند و مشخص کند در کجا هستند. بنا بر گزارش ها، ۱۲۵ مرکز پلیس در ۳۳ ایالت این کشور از این سیستم جاسوسی استفاده می کنند. همچنین پلیس آمریکا بسیاری از مکالمات تلفن های همراه را ضبط می کند و این گردآوری عمومی است و شامل کسانی هم می شود که مظنون به جرمی نیستند. سازمان های مانند اتحادیه آزادی های مدنی آمریکا و مرکز اطلاعات خصوصی الکترونیک با انتقاد از گردآوری اطلاعات تلفن های همراه توسط پلیس در بیانیه های اعلام کردند که کاربرد این برنامه ها توسط مراکز پلیس حتی در شهرهای کوچک منجر به فرسایش حریم خصوصی مردم آمریکا می شود و در تضاد مستقیم با متمم چهارم قانون اساسی است.

. تداوم این برنامه های نظارتی توسط نهادهای امنیتی آمریکا در سال ۲۰۱۴ همچنین ناقض ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر است که بر مبنای آن «هیچ احدی نباید در قلمرو خصوصی، خانواده، محل

زندگی یا مکاتبات شخصی، تحت مداخله خودسرانه قرار گیرد.» این برنامه ها در تعارض با بند ۱ ماده ۹ و

بند ۱ ماده ۱۷ میثاق حقوق مدنی و سیاسی است که بر حفظ حریم شخصی افراد تاکید کردند.^{۶۳}

۹-۱. نقض حقوق کودکان

در حالی که کنوانسیون حقوق کودک به عنوان یک کنوانسیون بین المللی جامع که حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کودکان را مدون کرده است در ۲۰ نوامبر سال ۱۹۸۹ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب شد و تاکنون ۱۹۰ کشور عضو سازمان ملل متحد آن را امضاء و تصویب کردند، اما هنوز کشور ایالات متحده این کنوانسیون را به تصویب نرسانده است. خودداری ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۱۴ از تصویب «کنوانسیون حقوق کودکان»^{۶۴}، نام این کشور را همچنان در کنار دو کشور سومالی و سودان جنوبی به عنوان سه کشور که هنوز این کنوانسیون را تصویب نکردند، قرار داده است که این خود نمادی از بی توجهی به وضعیت کودکان و نقض حقوق آنها در این کشور شده است. نمادی که با موفقیت مخالفان تصویب این کنوانسیون همچنان تا پایان سال ۲۰۱۴ پابرجا بود. تصویب نشدن

⁶³ International Covenant on Civil and Political Rights, Available At: <http://treaties.un.org/doc/Publication/UNTS/Volume%20999/volume-999-I-14668-English.pdf>.

⁶⁴ Convention on the Rights of the Child

کنوانسیون حقوق کودک توسط آمریکا خود نشانی از وضعیت بد کودکان در این کشور دارد. حقوق

کودکان در چند زمینه مهم در سال ۲۰۱۴ نقض شد که به مهمترین آنها اشاره می کنیم^{۶۵}.

۱-۹-۱. کودکان کار

طبق قانون کار فدرال^{۶۶} آمریکا کارفرمایان در این کشور نمی توانند کودکان زیر ۱۴ سال را در شغل های

غیر کشاورزی به کار گیرند. کار کودکان بین ۱۴ تا ۱۶ سال در شغل های مجاز باید به صورت پاره وقت و

محدود باشد و کودکان بین ۱۶ تا ۱۸ سال بدون محدودیت زمانی می توانند در شغل های غیر مخاطره

آمیز می توانن به کار گرفته شوند. این قانون به این معناست که در مزارع کشاورزی کودکان زیر ۱۴ سال

می توانند استخدام شوند و منع قانونی در این زمینه وجود ندارد. این قوانین استثناهایی نیز دارد از جمله

شغل های ویژه کودکان، استخدام توسط والدین و پخش روزنامه. با این حال در بسیاری از ایالت ها سن

قانونی کار برای کودکان کمتر از ۱۴ سال است.^{۶۷} اگر چه کار کودکان در برخی ایالت ها ممنوع اعلام شده

است و یا در برخی حوزه های ممنوع است اما نبود نظارت کافی بر عرصه های کاری و اشتغالی منجر به

⁶⁵ Arjun Sethi , “US joins Somalia and South Sudan in failing to support child rights”, November 20, 2014, Available at: <http://america.aljazeera.com/opinions/2014/11/convention-rightschildunitednations.html>

⁶⁶ Fair Labor Standards Act

⁶⁷ U.S. Department of Labor, Wage and Hour Division, “Child Labor Provision for Nonagricultural Occupations Under the Fair Labor Standards Act”. Available at: <http://www.dol.gov/whd/regs/compliance/childlabor101.pdf>

نقض حقوق کودکان در بسیاری از فعالیت های تجاری و اقتصادی شده است. یکی از این زمینه ها که در سال ۲۰۱۴ برجسته شد کار کودکان آمریکایی در مزارع تنباکو بود. افزایش شمار کودکان کار در مزارع تنباکو و خطرات این شغل برای کودکان باعث شد که این موضوع در سال ۲۰۱۴ مورد توجه نهادهای حقوق بشری قرار بگیرد.



دیدبان حقوق بشر در گزارشی ۱۳۸ صفحه ای در تاریخ ۱۴ مه سال ۲۰۱۴ در مورد کار کودکان زیر ۱۲ سال در مزارع بزرگ تولید تنباکو در چهار ایالت کارولینای شمالی، کنتاکی، تنسی و ویرجینیا ابراز نگرانی کرده بود. این چهار ایالت که بخش مهمی از تنباکوی آمریکا در آنها کشت می شود، بخش مهمی از نیروی

کار خود را بین کودکان انتخاب می کنند تا با پرداخت دستمزد پایین به سودهای بیشتری برسند. این نهاد بین المللی مدافع حقوق بشر در گزارشی نوشته است که خلاء قانونی و نبود نظارت کافی بر شرکت های تولید کننده تنباکو در آمریکا باعث شده است که کودکانی با متوسط سن ۱۲ سال در وضعیت سختی بر مزارع کشت تنباکو به کار گرفته شوند. دیدبان حقوق بشر در گزارش خود با استناد به نمونه های عینی از کودکانی که در این مزارع کار می کنند، از دولت آمریکا خواسته است که با تدوین قوانین و نظارت بر کار شرکت های فعال در صنعت دخانیات مانع سوء استفاده آنها از کودکان شود.. «مارگارت ورث»، محقق دیدبان حقوق بشر که این گزارش را تحت عنوان «کودکان پنهان تنباکو» نوشته است، در مورد مسئولیت شرکت های تولید کننده گفت: «شرکت ها مسئول نظارت بر شرایط کاری و رعایت حقوق بشر هستند و دولت باید بر انجام این مسئولیت نظارت داشته باشد.»^{۶۸}

بیشتر کودکانی که در مزارع تنباکو مشغول به کار هستند به خاطر تماس پوستی با برگهای تنباکو و جذب زیاد نیکوتین از طریق پوست به بیماری مبتلا شدند که به «مرض توتون و تنباکوی سبز» مشهور شده است. این بیماری باعث ضعف شدید جسمانی در کودکان بر اثر استفراغ، سرگیجه و سردرد مستمر می شود. تداوم این وضعیت جسمانی در مواردی ممکن است به مرگ کودک منجر شود.

⁶⁸ The Human Rights Watch, "Tobacco's Hidden Children : Hazardous Child Labor in United States Tobacco Farming", Available at: http://www.hrw.org/sites/default/files/reports/us0514_UploadNew.pdf

تنها اقدام مثبت که در سال ۲۰۱۴ در مورد کار کودکان در مزارع تنباکو انجام شد، اقدام شرکت «گروه آلتریا»^{۶۹}، بزرگترین شرکت تولید تنباکو در آمریکا بود که در ۱۲ دسامبر همین سال استخدام کودکان زیر ۱۶ سال را در مزارع شرکت خود و شرکت های وابسته را ممنوع اعلام کرد.^{۷۰} به غیر از این اقدام دولت های فدرال و ایالتی در آمریکا اقدامی برای مقابله با نقض حقوق کودکان در مزارع انجام ندادند.

۱-۹-۲. کودکان مهاجر

یکی از موضوعات مهم مرتبط با حقوق کودکان که در سال ۲۰۱۴ در آمریکا مطرح و برجسته شد، حقوق کودکانی بود که به صورت غیرقانونی وارد آمریکا شده بودند و کودکانی که والدین آنها به خاطر تمام شدن مدت اقامتشان از این کشور اخراج شدند. حدود ۱۱ میلیون مهاجر آمریکایی هم اکنون زمان اقامتشان در آمریکا به پایان رسیده است و با خطر اخراج مواجه هستند. این در حالی است که غالباً فرزندان آنها دارای تابعیت آمریکا شدند اما پدران و مادران آنها هم اکنون یا از این کشور اخراج شدند و یا زندگی پنهانی دارند و در شرایط روحی دشواری قرار دارند.

⁶⁹ Altria Group

⁷⁰ The Human Rights Watch, "US: Tobacco Company Bans Hiring Children Under 16", December 12, 2014, Available at: <http://www.hrw.org/news/2014/12/12/us-tobacco-company-bans-hiring-children-under-16>



در گزارشی که دولت آمریکا در مورد کودکان مهاجر منتشر کرده است، آمده که در اکتبر ۲۰۱۳ و اواسط ژوئن ۲۰۱۴، حدود ۵۲ هزار کودک به طور غیرقانونی و بدون خانواده های خود وارد خاک این کشور شدند. و در فاصله زمانی بین اکتبر ۲۰۱۲ و اواخر سال ۲۰۱۳ این رقم بیش از ۱۰۵ هزار کودک بوده است.

در روند بازداشت و اخراج مهاجران غیر قانونی هزاران کودک در آمریکا بازداشت شدند. تعدادی از کودکانی که به جرم ورود غیرقانونی به خاک آمریکا بازداشت شدند، تحت سرپرستی موقت خانواده های

آمریکایی قرار گرفتند و تا زمان مشخص شدن وضعیت آنها در این خانواده ها زندگی خواهند کرد. اما غالب این کودکان که بالغ بر ۷۵۰ کودک می شوند توسط دولت در جایی که هنوز مشخص نشده است، نگهداری می شوند. احتمال داده می شود که این کودکان در منطقه ای در شیکاگو نگهداری شوند اما هنوز مشخص نیست در کجا و در چه وضعیتی از نظر بهداشتی و تغذیه هستند. سازمان های طرفدار حقوق مهاجران و حقوق کودکان نگران آن هستند که این پنهانکاری دولت در مورد وضعیت کودکان مهاجر غیر قانونی دلیلی بر نامساعد بودن وضعیت آنها از نظر بهداشتی و تغذیه باشد. این کودکان اغلب با هدف سوء استفاده جنسی و بهره کشی توسط شبکه های بین المللی قاچاق انسان به این کشور وارد می شوند.

همچنین تعدادی از این کودکان توسط خانواده های آمریکایی نگهداری می شوند که سرپرستی موقت آنها را پذیرفتند. سازمان های طرفدار حقوق کودکان همچنین از این بابت نگرانند که نظارت موثر و مفیدی بر وضعیت آنها در این خانواده ها وجود نداشته باشد و بدرفتاری و حتی تجاوز آنها را تهدید کند.

قتل، تجاوز و ضرب و شتم به کودکان مهاجر غیر قانونی توسط افراد قاچاق کننده و یا کسانی که آنها را به خدمت می گیرند امر رایجی است که به خاطر بی اطلاعی دولت و سازمانهای غیر دولتی از آنها و محل نگهداریشان پنهان می ماند. خشونت های متعددی علیه آنها رخ می دهد که به خاطر ترس و بی اطلاعی خود این کودکان برای همیشه مخفی می ماند.



دیده بان حقوق بشر در گزارش هایی در سال ۲۰۱۴ نظام مهاجرت آمریکا را در تضاد با حقوق بشر اعلام کرد و خواستار اصلاح آن با هدف تضمین حقوق انسانی مهاجران شد. از نظر دیدبان حقوق بشر اصلاحات باید با توجه به چهار مساله اساسی زیر صورت گیرد: رعایت حقوق بشر و حمایت از خانواده های مهاجران، حمایت از مهاجران در برابر بدرفتاری ها در محیط کار و جرایم، فراهم کردن مکانیزمی قانونی که به طور موثر از حقوق بنیادین حدود ۱۱ میلیون مهاجر غیرقانونی در آمریکا حمایت کند و تمرکز بر تلاش های عملی برای مقابله با تهدیدات واقعی علیه مهاجران و تعیین یک روند مناسب برای احقاق حقوق این افراد.

سازمان دیدبان حقوق بشر در تاریخ دوم سپتامبر سال ۲۰۱۴ در گزارشی با عنوان «کودکان مهاجر به

حمایت و نه بازداشت نیاز دارند»، به بازداشت گسترده کودکان مهاجر و وضعیت دشوار آنها در اردوگاه ها و بازداشتگاه ها اعتراض کرد. این سازمان نه تنها خواستار اصلاح سریع قوانین مهاجرت شده بود بلکه از آمریکا خواسته بود که اجازه دهد نمایندگان سازمانها و نهادهای ملی و بین المللی بر وضعیت این کودکان نظارت داشته باشند^{۷۱}. همچنین این سازمان در گزارشی دیگر در تاریخ ۲۰ نوامبر سال ۲۰۱۴ به روند اخراج والدینی که مدت اقامت آنها در آمریکا به سر آمده بود و یا به صورت غیرقانونی وارد خاک این کشور شده بودند، اعتراض کرد. بسیاری از آنها فرزندان داشتند که در ایالات متحده زندگی می کردند در حالی که از پدران و مادران خود به همین خاطر جدا شده بودند. دیدبان حقوق بشر این وضعیت را بی توجهی به وضعیت فرزندان مهاجران غیرقانونی خواند و دولت آمریکا را مسئول این وضعیت تلقی کرد^{۷۲}. وخامت اوضاع کودکان این خانواده ها و جدایی در این خانواده ها باعث شد که باراک اوباما، رئیس جمهوری آمریکا در سال ۲۰۱۴ لایحه اصلاحات قانون مهاجرت را به کنگره ارائه کند تا این جمعیت ۱۱ میلیونی بتوانند تابعیت آمریکا را به دست آورند اما این لایحه با مخالفت کنگره رو به رو شده و تا کنون تصویب نشده است.

⁷¹ Shaivalini Parmar, “Migrant children need protection, not detention”, September 2, 2014, Available at: <http://www.hrw.org/news/2014/09/02/migrant-children-need-protection-not-detention>

⁷² The Human Rights Watch, “US: Parents of American Children Summarily Deported: Obama’s Proposal Should Cover Migrants at the Border with Family Ties”, November 20, 2014, Available at: <http://www.hrw.org/news/2014/11/20/us-parents-american-children-summarily-deported>

۱-۹-۳. خشونت خانوادگی علیه کودکان

خشونت علیه کودکان در آمریکا و عدم اقدام جدی دولت برای حمایت از کودکان در برابر خشونت های خانوادگی و بیرون از خانه، یکی از موارد مهم در زمینه حقوق کودکان در این کشور است. آمار بالای کودکان بدون سرپرست و یا بد سرپرست اهمیت حمایت از کودکان را در آمریکا دو چندان کرده است. طبق آمارهای وزارت دادگستری آمریکا حدود ۴۵۰ هزار کودک در سال از خانه خود فرار می کنند که یک سوم از آنها خیابانگرد می شوند و با گذشته تنها ۴۸ ساعت از ترک خانواده به دام باندهای قاچاق و یا روسپیگری گرفتار می شوند.



بسیاری از کودکان آمریکا که جمعیتی حدود ۷ میلیون این کشور را شکل می دهند، آزار و اذیت را تجربه کردند و با حوادثی رو به رو شدند که تکان دهنده است. هر ساله بالغ بر سه میلیون و ۳۰۰ هزار مورد کودک آزاری در آمریکا گزارش می شود. این در حالی که بسیاری از موارد کودک آزاری حتی به مرحله گزارش به پلیس نمی رسد و قربانیان آن به طور مدام رنجی بی پایان را تحمل می کنند.

بر اساس گزارش های مؤسسه آمریکایی حمایت از کودکان، خشونت پدران و مادران مست، خمار و گرفتار بیماری های روانی علیه کودکان در آمریکا رو به گسترش است. افراط در آزادی حمل سلاح، آزادی فردی و حریم خصوصی و همچنین آزادی در مصرف الکل و مخدر باعث شده که خانه ها و برخی مکان های عمومی صحنه های مهم تجاوز به حقوق کودکان باشد.

در جدیدترین گزارشی که در مورد نقض حقوق کودکان در ایالات متحده منتشر شده است به خوبی می توان دید که نقض حقوق کودکان و خطراتی که در درون خانواده های آمریکایی متوجه آنها است، تا چه اندازه گسترده است؛ خبرگزاری آسوشیتدپرس در گزارشی که در ۱۸ دسامبر سال ۲۰۱۴ منتشر کرده، نوشته است که حداقل ۷۸۹ کودک از سال ۲۰۰۸ تاکنون به خاطر خشونت های خانوادگی و معضل بد سرپرستی جان خود را از دست داده اند. این آمار از طریق تحقیقات مستقلی که به وسیله آسوشیتدپرس در ۵۰ ایالت انجام شده، به دست آمده است. بنا بر این گزارش بیش از ۵۰ درصد از این کودکان زیر چهار

سال سن داشتند. بیشترین علل این مرگ و میر کودکان گرسنگی، کتک خوردن و تنها ماندن در خانه و یا خودرو اعلام شده است. این آمار تنها شامل مرگ و میرهایی می شود که بدون قصد و نیت قبلی و به خاطر اهمال مادران و پدران آمریکایی اتفاق افتاده است. در این گزارش آمده است که ۱۱۷ مورد از این مرگ و میرها در ایالت فلوریدا، ۷۸ مورد در نیویورک، ۷۶ مورد در تگزاس، ۳۷ مورد در اوهایو، ۳۶ مورد در واشنگتن، ۳۳ مورد در ایلینویز، ۳۰ مورد در لویزیانا، ۲۶ مورد در پنسیلوانیا، ۲۶ مورد در مریلند و ۲۵ مورد در میسوری رخ داده است.^{۷۳}

یکی از دردناکترین موردهای مربوط به مرگ و میر کودکان به خاطر اهمال سرپرست، واقعه ای بود که در آن یک مادر اهل جنوب کارولینای ایالت فلوریدا سه فرزند خود را به اقیانوس انداخت. «ابونی ویلکرسون» مادر این سه کودک ابتدا به قتل و کودک آزاری متهم شد اما دادگاه فلوریدا در رای خود که ۱۲ دسامبر سال ۲۰۱۴ منتشر شد اعلام کرد که وی از بیماری روانی رنج می برد و به خاطر جنون این کار را کرده است؛ به همین خاطر دادگاه او را تبرئه کرد.^{۷۴} در موردی دیگر از خشونت خانوادگی علیه کودکان،

⁷³ The Associated Press, "Abused children continue to die as officials fail to protect, AP study finds", December 18, 2014. Available at:

http://www.nola.com/politics/index.ssf/2014/12/abused_children_die_system_fai.html.

⁷⁴ New York Daily News, "Mom who drove kids into ocean not guilty: judge", Dec, 12, 2014. Available at: <http://www.nydailynews.com/news/crime/mom-drove-kids-ocean-not-guilty-judge-article-1.2042992>

(0) Comments

در روز هفتم آگوست یک زن آمریکایی به جرم زندانی کردن و اذیت و آزار چهار کودک پسر خود در شهر «دنور» محاکمه شد. پلیس دنور اعلام کرده است که این زن به نام «لورندا بایلی» متهم است که کودکان خود را با قلابه در خانه می بسته و آنها را آزار داده است. این کودک آزاری به مدت هشت ماه تداوم داشته است. همچنین در ماه جولای گذشته گزارش شد که پدر و مادر یک کودک مبتلا به بیماری روانی به اتهام نگهداری او در قفس مخصوص حیوانات بازداشت شدند. این والدین اهل کالیفرنیا متهم شدند که پسر ۱۱ ساله خود را به مدت طولانی در یک قفس آهنی زندانی کرده بودند.

آزادی در مصرف الکل و برخی مخدرها مانند ماری جوانا که در ماه های اخیر در بسیاری از ایالت ها استفاده از آن قانونی شده است، عامل دیگری در نقض حقوق کودکان آمریکایی است. حدود ۱۴ میلیون معتاد به الکل در آمریکا وجود دارد اما چندین برابر این رقم از آمریکایی ها دارای سوء مصرف الکل هستند. طبق آمار پایگاه اینترنتی «اطلاعات درباره مشروبات در آمریکا»، حدود ۶۰۰ هزار نوجوان کمتر از ۱۸ سال در خانه هایی زندگی می کنند که حداقل یکی از والدین معتاد به الکل هستند. بر اساس اطلاعات این پایگاه، نوجوانان آمریکایی که به سن ۱۸ سال می رسند، ۸۰ درصد تجربه مصرف الکل را داشتند و نزدیک به ۶۲ درصد نیز حداقل یک بار مست شده اند. همچنین حدود سه میلیون نوجوان بین ۱۴ تا ۱۷ ساله در آمریکا در شمار افراد معتاد به الکل هستند.

داستان «مگان هانتسمن»، زن سی و نه ساله اهل یوتای آمریکا که در حال محاکمه شدن است، ابعاد این فاجعه را نشان می دهد. او اعتراف کرده است که در بین سال های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۶ شش نوزاد خود را کشته است و آنها را در گاراژ خانه خود دفن کرده است. این زن به ماده مخدر «متامفتالین» معتاد بوده است و علت کار خود را اعتیاد عنوان کرده است. هانتسمن در اعترافات خود در دادگاه گفت که نیاز شدیدی به پول برای خرید مواد داشته است و توانایی ترک اعتیاد را هم نداشته و مجبور شده بین فرزندان و مواد یکی را انتخاب کند.

خبرگزاری آسوشیتدپرس آمار مرتبط با مرگ کودکان در خانواده های آمریکایی را بالاتر از این رقم می داند زیرا به گفته این خبرگزاری بسیاری از مقامات دولتی مسئول در حمایت از کودکان از دادن آمار و ارقام در این زمینه طفره می روند و این آمار تنها شامل مرگ و میرهایی است که علت آنها مشخص شده و به پلیس گزارش شده است. در این گزارش آمده است که نبود بودجه کافی در سازمان های حامی کودکان، بی تجربه بودن کارکنان این سازمان ها و نهادهای دولتی و بی توجهی به گزارش های مرتبط با خشونت خانوادگی از علل مهم بالا بودن تلفات کودکان است. بنا بر گزارش آسوشیتدپرس در بسیاری از مرگ و میرها، نهادهای مسئول در حمایت از کودکان، اطلاعات و گزارش هایی در مورد بی مسئولیتی و

اهمال والدین کودکان قربانی داشته است اما تداوم بی توجهی به این والدین و نبود نظارت کافی بر آنها منجر به مرگ کودکان آنها شده است.

۱-۹-۴. خشونت مسلحانه علیه کودکان

آزادی حمل و نگهداری سلاح و بی مسئولیتی والدین و وابستگان کودکان در نگهداری از سلاح خود عامل به خطر افتادن جان صدها کودک در آمریکا بوده است. طبق آخرین آماری که مجله پزشکی کودکان منتشر شده است، روزانه به طور متوسط ۲۰ کودک در سراسر ایالات متحده آمریکا به خاطر زخمهای ناشی از شلیک گلوله به بیمارستان منتقل می شوند. بیش از نیمی از قربانیان کودک در جریان حملات مسلحانه زخمی و یا کشته می شوند و نزدیک به یک سوم از آنها در تیراندازی های اتفاقی و غیر عمدی قربانی می شوند. بنا بر این تحقیق سه چهارم کودکانی که در تیراندازی های غیر عمدی زخمی و یا کشته می شوند، زیر ۱۰ سال سن دارند. از هر ۱۰ قربانی خشونت مسلحانه یا تیراندازی های غیر عمدی کودکان

پسر هستند و همچنین پسران سیاه پوست ۱۰ برابر بیشتر از پسران سفید پوست قربانی می شوند.^{۷۵}



بر اساس تحقیقی دیگر که در سال ۲۰۱۴ منتشر شد، سالانه بیشتر از هفت هزار کودک به خاطر

خشونت مسلحانه زخمی و روانه بیمارستان می شوند و سه هزار کودک قبل از رسیدن به بیمارستان کشته

می شوند؛ یعنی به طور کلی سالانه حدود ۱۰ هزار کودک هدف خشونت مسلحانه قرار می گیرند. این

⁷⁵ Dennis Thompson , “ 20 U.S. Kids Hospitalized Each Day for Gun Injuries” , Jan. 27, 2014, Available at: <http://www.webmd.com/parenting/news/20140127/twenty-us-kids-hospitalized-each-day-for-gun-injuries-study>

تحقیق که توسط محققان دانشکده پزشکی دانشگاه ییل صورت گرفته است، نشان می دهد که حدود ۷۰ درصد از این کودکان در حملات مسلحانه و حدود ۳۰ درصد در حوادث غیر عمدی هدف گلوله قرار می گیرند. «مرکز جان هاپکینز تحقیق و سیاستگذاری سلاح»^{۷۶} عدم ممنوعیت خرید و حمل سلاح برای جوانان ۱۸ ساله در ۳۸ ایالت از ۵۰ ایالت آمریکا را علت مهمی در افزایش مرگ و میر کودکان در خشونت های مسلحانه تلقی کرده است.

مدارس ایالات متحده هر ساله شاهد خشونت مسلحانه و قربانی شدن دانش آموزان در این خشونت ها هستند. طبق آمار تنها در ۱۴ روز نخست پس از بازگشایی مدارس هفت مدرسه در ایالات متحده شاهد تیراندازی و مرگ دانش آموزان در خشونت مسلحانه بودند^{۷۷}. طبق گزارشی دیگر، از آغاز سال ۲۰۱۴ تا ششم آگوست این سال در ۲۳ مدرسه در سراسر ایالات متحده آمریکا تیراندازی رخ داده است. این رقم در سال ۲۰۱۳، ۲۸ مورد بوده است^{۷۸}. این در حالی است که در طول سال ۲۰۱۴، ۵۷ مورد تیراندازی در مدارس آمریکا رخ داده است؛ یعنی نسبت به سال گذشته خشونت در مدارس آمریکا تقریباً دو برابر شده

⁷⁶ Johns Hopkins Center for Gun Policy and Research

⁷⁷ <http://www.thinkprogress.org/justice/2014/01/23/3192911/normal-school-shootings/>

⁷⁸ List of school shootings in the United States , A

در حالی که پس از فاجعه کشتار دبستان سندی هوک در دسامبر سال ۲۰۱۲، که در آن ۲۰ دانش آموز و ۶ بزرگسال در جریان تیراندازی کشته شدند، موضوع کنترل سلاح و امنیت مدارس در برابر خشونت مسلحانه مورد توجه قرار گرفت هنوز اقدام موثری از طرف مقامات سیاسی و امنیتی آمریکا در این زمینه صورت نگرفته است. بنا بر گزارش های پس از تیراندازی در مدرسه سندی هوک تا پایان ماه اکتبر سال ۲۰۱۴ حدود ۱۰۰ مورد تیراندازی در مدارس آمریکا رخ داد که این آمار نشان می دهد نه تنها خشونت مسلحانه علیه دانش آموزان کاهش نیافته است بلکه نسبت به سال های قبل افزایش داشته است.^{۸۰}

این گستردگی خشونت علیه کودکان و انجام ندادن اقدامی جدی در مقابله با آن توسط دولت، نقض جدی ماده ۲۷ کنوانسیون حقوق کودک است که بر حق برخورداری کودکان از سطح زندگی مناسب برای رشد جسمانی ، عقلانی، ذهنی، معنوی، اخلاقی و اجتماعی تاکید کرده است.

⁷⁹Everytown for Gun Safety Action Fund., "We can't hide from gun violence", Available at: http://act.everytown.org/signup/Newtown-Anniversary/?source=emno_NewtownAnniversary&utm_source=em_n_&utm_medium=o&utm_campaign=NewtownAnniversary

⁸⁰ Everytown for Gun Safety Action Fund., "School Shootings in America Since Sandy Hook", Available at: <http://everytown.org/article/schoolshootings/>

یکی دیگر از موارد نقض حقوق کودک در آمریکا که در سال ۲۰۱۴ برجسته شد، محاکمه افراد زیر ۱۸ سال در دادگاه های این کشور و بازداشت و محاکمه آنها همانند بزرگسالان بوده است. طبق معیارهای و استانداردهای بین المللی محاکمه و مجازات کودکان مجرم نیازمند دادگاه های ویژه و رفتار قضایی و تنبیهی متفاوت با بزرگسالان است. این نوع نقض حقوق کودکان در سال ۲۰۱۴ در آمریکا منجر به اعتراض و انتقاد سازمانهای بین المللی مدافع حقوق بشر و حقوق کودکان شد. این نوع رفتار در تضاد با بند دوم ماده ۱۰ کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی است که تاکید دارد: «افراد جوان متهم باید از بزرگسالان جدا نگاه داشته شوند و باید در اسرع وقت در مورد آنها قضاوت گردد.» همچنین در بند سوم همین ماده آمده است: «جوانان بزهکار باید از بزرگسالان جدا نگاه داشته شوند و (با آنها) متناسب سن و وضعیت قانونی شان رفتار گردد.» در بند چهارم ماده ۱۴ این کنوانسیون در مورد محاکمه و مجازات کودکان آمده است: «آئین دادرسی در مورد افراد جوان باید مطابق سن آنها، مصلحت و اعاده حیثیت آنان در نظر گرفته شود.»^{۸۱} این در حالی است که ایالات متحده در پنجم اکتبر سال ۱۹۹۷ کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی را امضاء و در هشتم ژوئن سال ۲۰۰۸، آن را تصویب کرده است.

⁸¹ International Covenant on Civil and Political Rights, Available At: <http://treaties.un.org/doc/Publication/UNTS/Volume%20999/volume-999-I-14668-English.pdf>.

سازمان دیدبان حقوق بشر در گزارش ویژه در مورد نقض حقوق کودکان در نظام قضایی و زندان های آمریکا که در ۱۱ مارس سال ۲۰۱۴ منتشر شده است، در این زمینه به دولت آمریکا هشدار داده است و خواستار رعایت مواد کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی شد. طبق این گزارش سالانه حدود ۲۵۰ هزار کودک در آمریکا به خاطر جرم های مختلف از دزدی گرفته تا قتل، همانند بزرگسالان محاکمه و مجازات می شوند. طبق آخرین آمار، حدود ۱۰ هزار کودک در زندان های معمولی آمریکا در کنار مجرمان بزرگسال نگهداری می شوند؛ حتی برخی از آنها به حبس ابد محکوم شدند و برخی دیگر در سلول های انفرادی محبوس می شوند. عدم تفکیک بین کودکان و بزرگسالان در زندانها منجر به افزایش موارد تجاوز جنسی و دیگر شکل های خشونت علیه آنها شده است.^{۸۲}

⁸² Human Rights Watch, "Dispatches: US Should Stop Prosecuting Kids as Adults", March 11, 2014, Available at: <http://www.hrw.org/news/2014/03/11/dispatches-us-should-stop-prosecuting-kids-adults>



نقض حقوق کودکان در نظام قضایی آمریکا و زندان های این کشور در حالی صورت می گیرد که لزوم تفکیک بین مجرمان کودک و بزرگسال و ضرورت محاکمه و مجازات متفاوت آنها در قانون قضایی فدرال به رسمیت شناخته شده است.^{۸۳} بنابراین این وضعیت نه تنها نقض کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی (که آمریکا آن را به تصویب رسانده) است بلکه نقض قانون ایالات متحده هم است.

نقض حقوق کودکان در نظام قضایی آمریکا و زندان های این کشور در سال ۲۰۱۴ در ایالت فلوریدا

⁸³ David Tannenbaum, "The Evolution of Transfer out of the Juvenile Court," in *The Changing Borders of Juvenile Justice*, ed. Jeffrey Fagan and Franklin Zimring (Chicago: University of Chicago Press, 2000), p. 17.

بسیار شدیدتر از دیگر ایالت ها بوده است. به طوری که سازمانها و نهادهای مدافع حقوق کودکان در سطح ملی و بین المللی از این وضعیت در ایالت فلوریدا انتقاد کردند. طبق قوانین قضایی و دادرسی ایالت فلوریدا و رویه معمول در این ایالت، حتی کودکان ۱۴ ساله همانند بزرگسالان محاکمه و مجازات می شوند. طبق آمار دیدبان حقوق بشر، ۶۰ درصد از نوجوانان که در ایالت فلوریدا به اتهام های مختلف بازداشت شدند در دادگاه های معمولی محاکمه شدند و طبق قوانین عادی این ایالت برای آنها مجازات صادر شده است. در این گزارش ۱۱۰ صفحه ای که در دهم آوریا سال ۲۰۱۴ منتشر شده به تبعیض نژادی علیه کودکان سیاه پوست نیز اعتراض شده است. طبق آمار این گزارش نوجوانان سیاه پوست ۲۷.۲ درصد از کل بازداشت های نوجوانان را شکل می دهند اما ۵۱.۴ درصد از نوجوانانی که در دادگاه های بزرگسالان محاکمه می شوند، سیاه پوست هستند. این در حالی است نوجوانان سفید پوست ۲۸ درصد از بازداشت های نوجوانان در این ایالت را شکل می دهند، تنها ۲۴.۴ درصد از کل جوانان محاکمه شده در دادگاه های بزرگسالان را تشکیل میدهند؛ یعنی نوجوانان سیاه پوست بسیار بیشتر از همسالان سفید پوست خود به دادگاه های بزرگسالان فرستاده می شوند و این تبعیض آشکار علیه نوجوانان سیاه پوست است.^{۸۴}

⁸⁴ Human Rights Watch, "US: Florida Arbitrarily Prosecuting Children as Adults", April 10, 2014, http://www.hrw.org/sites/default/files/reports/us0414_ForUpload%202.pdf

حقوق زنان بعد مهم و حیاتی حقوق بشر است که مستلزم توجه ویژه و خاص است. به همین خاطر جامعه بین الملل علاوه بر تاکید بر حقوق زنان در اسناد عام حقوق بشری همانند اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون های ویژه ای در مورد حقوق زن به تصویب رسانده است. مهمترین این کنوانسیون های مربوط به حقوق زنان، کنوانسیون «رفع هرگونه تبعیض علیه زنان»^{۸۵} است که در ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ میلادی برابر در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، به تصویب رسید. کشور ایالات متحده آمریکا این کنوانسیون را در ۱۷ جولای سال ۱۹۸۰ امضاء کرده است اما تاکنون به تصویب نرسانده است. علاوه بر این، دولت آمریکا پروتکل اختیاری کنوانسیون «رفع هرگونه تبعیض علیه زنان» را حتی امضاء هم نکرده است. «کنوانسیون سازمان ملل علیه جرایم سازمان یافته بین المللی»^{۸۶} که در آن توجه ویژه ای به زنان شده است در ۱۳ دسامبر سال ۲۰۰۰ توسط دولت آمریکا امضاء شده اما هنوز به تصویب کنگره نرسیده اند؛ دو پروتکل این کنوانسیون، «پروتکل منع، جلوگیری و مجازات قاچاق انسان(به ویژه زنان و کودکان)»^{۸۷} و «پروتکل مبارزه با قاچاق زمینی، هوایی و دریایی»^{۸۸}، هم دچار همین سرنوشت در

⁸⁵ Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women

⁸⁶ United Nations Convention against Transnational Organized Crime

⁸⁷ Protocol to Prevent, Suppress and Punish Trafficking in Persons, Especially Women and Children

ایالات متحده شده اند. تداوم بی توجهی کنگره آمریکا به کنوانسیون های مرتبط با حقوق زنان خود مصدافی از نقض حقوق زنان در این کشور در سال ۲۰۱۴ بود. علاوه بر این، نقض حقوق زنان در ایالات متحده آمریکا در چند زمینه مهم در سال ۲۰۱۴ برجسته بوده است:

۱-۱۰-۱. خشونت و آزار جنسی علیه زنان

خشونت جنسی علیه زنان در ایالات متحده یکی از ابعاد مهم نقض حقوق زنان در این کشور در سال ۲۰۱۴ بوده است. خشونت و آزار و اذیت جنسی زنان در چند حوزه مهم در این سال برجسته و خبر ساز شده است؛ خشونت جنسی در ارتش آمریکا و خشونت جنسی در دانشگاه های آمریکا در سال ۲۰۱۴ بسیار خبر ساز و برجسته شدند:

- آزار جنسی علیه زنان در ارتش

آزار و اذیت جنسی به لمس ناخواسته بدن، گفتار و رفتار جنسی آزار دهنده، نشان دادن تصاویر مستهجن، ارسال پیام های جنسی و مشروط کردن هر امری به روابط و تماس های جنسی گفته می شود. تجاوز

⁸⁸ Protocol against the Smuggling of Migrants by Land, Sea and Air

جنسی نظامی شامل تجاوزها و آزارهایی می شود که یک طرف آن و یا هر دو طرف آن نظامی بوده اند. تجاوز جنسی در این گزارش تجاوز به عنف، لواط و دیگر تماس های جنسی ناخواسته از جمله تماس بخش هایی از بدن تعریف شده است.



خشونت جنسی در بین نظامیان آمریکایی در سال ۲۰۱۴ تبدیل به یک معضلی شد که وزیر دفاع و رئیس جمهوری این کشور بارها در مورد آن ابراز نگرانی کردند. در گزارشی که اول ماه مه وزات دفاع آمریکا منتشر کرد ابعاد این خشونت جنسی مشخص شد؛ بنا بر این گزارش وزارت دفاع، تعداد گزارش های مربوط به آزار و اذیت جنسی و خشونت جنسی در ارتش آمریکا حدود ۵۰ درصد افزایش یافته است. در

این گزارش آمده است که در سال ۲۰۱۳، حدود پنج هزار و ۶۱ مورد گزارش آزار و اذیت جنسی به مقامات مسئول در ارتش رسیده است در حالی که طبق گزارش وزارت دفاع تخمین زده می شود که در سال ۲۰۱۲، حدود ۲۶ هزار مورد تجاوز و آزار و اذیت جنسی در ارتش رخ داده که حدود سه هزار و ۳۷۴ مورد آن گزارش شده است. بر اساس آمار منتشر شده، بیشترین سهم گزارش های مربوط به تجاوز و خشونت جنسی با ۸۶ درصد مربوط به نیروهای دریایی ایالات متحده و کمترین آنها با ۴۵ درصد مربوط به نیروهای هوایی این کشور اعلام شده است.^{۸۹}

روند رو به افزایش شکایت های مرتبط به آزار و اذیت جنسی تا پایان سال ۲۰۱۴ نیز تداوم داشته است. طبق گزارشی که وزارت دفاع آمریکا در دسامبر سال ۲۰۱۴ منتشر کرد، شمار گزارش های مرتبط به آزار و اذیت جنسی در ارتش در طول سال ۲۰۱۴ هشت درصد افزایش یافته است. در این گزارش آمده است که تعداد این آزار و اذیت های جنسی گزارش شده به پنج هزار و ۹۳۸ مورد در سال ۲۰۱۴ رسیده است.

- آزار جنسی علیه زنان در دانشگاه

⁸⁹Helene Cooper, "Pentagon Study Finds 50% Increase in Reports of Military Sexual Assaults", May 1, 2014, Available at: http://www.nytimes.com/2014/05/02/us/military-sex-assault-report.html?_r=0

یکی دیگر از حوزه هایی که حقوق زنان آمریکایی از طریق آزار و اذیت جنسی در آنها نقض می شود، دانشگاه های آمریکا هستند. نتایج تحقیقی که به وسیله محققان دانشگاه تکنولوژی ماساچوست (MIT) انجام شد، ابعاد وسیع آزار و اذیت جنسی زنان در دانشگاه های آمریکا را به خوبی نشان می دهد. نتایج این تحقیقات که در تاریخ ۲۷ اکتبر سال ۲۰۱۴ منتشر شده ، نشان می دهد که ۱۷ درصد از دانشجویان دختر و پنج درصد از دانشجویان پسر در مقطع کارشناسی حداقل یک بار قربانی تجاوز جنسی در محیط دانشگاه شده اند.^{۹۰}



⁹⁰ Massachusetts Institute of Technology, Survey Results: 2014 Community Attitudes on Sexual Assault, Oct, 27, 2014. Available at: <http://web.mit.edu/surveys/health/MIT-CASA-Survey-Summary.pdf>

گزارشهای آماری دیگر وضعیت آزار و اذیت جنسی در دانشگاه های ایالات متحده را وخیم تر ارزیابی کردند. طبق یکی از این گزارش ها که در سال ۲۰۱۴ منتشر شد، حدود ۲۸ درصد از دانشجویان دختر در دانشگاه های مختلف آمریکا به شیوه های مختلف حداقل یک بار مورد تجاوز و آزار و اذیت جنسی قرار می گیرند. وزارت دادگستری آمریکا هم در مورد آزار و اذیت جنسی اعلام کرده است که از هر چهار دختر دانشجو در این کشور یک تن حداقل یک بار در دوران زندگی دانشجویی قربانی و آزار و اذیت جنسی شده است.^{۹۱} حدود ۱۲ درصد از دانشجویانی که قربانی تجاوز شدند بارداری ناخواسته را در دوران دانشجویی تجربه می کنند که بسیاری از آنها مجبور به سقط جنین می شوند که منجر به آسیب روحی و جسمی بلند مدت در آنها می شود. بنا بر گزارش های منتشر شده حدود ۵۰ درصد از خشونت های جنسی که در محیط دانشگاه رخ می دهند بعد و یا در حین مصرف مشروبات الکلی اتفاق می افتد و ۱۴ درصد از دانشجویان بعد از مصرف مشروبات الکلی مرتکب آمیزش جنسی نامشروع می شوند.^{۹۲}

⁹¹ U.S. Department of Justice, "Rape and Sexual Assault Victimization Among College-Age Females, 1995–2013", Available at: <http://www.bjs.gov/content/pub/pdf/rsavcaf9513.pdf>

⁹² Nick, Anderson, "Sex offense statistics show U.S. college reports are rising", July 1, 2014, Available at: http://www.washingtonpost.com/local/education/sex-offense-statistics-show-us-college-reports-are-rising/2014/07/01/982ecf32-0137-11e4-b8ff-89afd3fad6bd_story.html

خشونت خانگی^{۹۳} به هر نوع رفتاری که منجر به اذیت و آزار جسمی، روحی و روانی یک تن شود و توسط یکی از اعضای خانواده اش صورت بگیرد، خشونت خانگی می گویند. خشونت خانوادگی می تواند شامل ضرب و شتم، تهدید، گرسنگی دادن، حبس، تحقیر، تجاوز جنسی زناشویی و ایجاد ناامنی شود. این نوع خشونت معمولاً توسط همسر و شریک زندگی، پدر و مادر و یا اعضای دیگر خانواده صورت میگیرد^{۹۴}.

طبق آمار «مرکز ملی کنترل و پیشگیری سوانح»^{۹۵} در ایالات متحده، حدود ۱۵.۸ درصد از زنان آمریکا خشونت جنسی از طرف شریک زندگی خود را تجربه کردند و حدود ۲۲.۳ درصد از زنان قربانی خشونت فیزیکی و ضرب و شتم شدید توسط شریک زندگی خود هستند^{۹۶}. بسیاری از این قربانیان تحت تاثیر این تجاوزها مشکلات روحی و جسمی شدیدی پیدا می کنند به طوری که زندگی معمولی آنها تحت تاثیر رفتار تجاوزگرانه علیه آنها قرار می گیرد.

⁹³ domestic violence

⁹⁴ Domestic Violence against Women, "Domestic Violence Fact Sheet", Available at: http://www.stopvaw.org/uploads/domestic_violence_fact_sheet_finall3.pdf

⁹⁵ National Center for Injury Prevention and Control

⁹⁶ Matthew J. Breiding, and Sharon G. Smith, "Prevalence and Characteristics of Sexual Violence, Stalking, and Intimate Partner Violence Victimization", September 5, 2014, Available at: http://www.cdc.gov/mmwr/preview/mmwrhtml/ss6308a1.htm?s_cid=ss6308a1_e



طبق آمار دولت آمریکا، ۲۵ درصد از زنان این کشور خشونت خانگی را تجربه می کنند و حدود یک میلیون و ۳۰۰ هزار زن قربانی خشونت فیزیکی از طرف شریک زندگی خود هستند. طبق آمارهایی که به وسیله «اداره تحقیقات فدرال»^{۹۷} منتشر شده است از هر ۱۳ قتلی که قربانیان آن زن هستند، یک مورد توسط همسر و یا دوست پسر قربانیان انجام می شود. همچنین ۱۰ درصد از زنانی که قربانی خشونت فیزیکی خانگی هستند دچار آسیب های جدی نخایی یا به خاطر ضربه به سر دچار آسیب های جدی

⁹⁷ Federal Bureau of Investigations

مغزی می شوند^{۹۸}. همچنین خشونت خانوادگی به خاطر این که در بسیاری از موارد در مدت طولانی و متداولی صورت می گیرد و توسط نزدیک ترین افراد به زنان انجام می شود، تاثیرات روحی و روانی شدیدی بر زنان دارد. جوان بودن بسیاری از قربانیان این خشونت ها به این وضعیت دامن می زند، طبق نتایج یک تحقیقی که در پنجم ماه سپتامبر ۲۰۱۴ در روزنامه واشنگتن پست منتشر شد، از هر پنج زن در آمریکا یک تن قربانی تجاوز جنسی بوده که ۷۸ درصد از آنها نخستین تجاوز جنسی را زمانی تجربه کردند که زیر ۲۵ سال سن داشتند^{۹۹}.

۱-۱۰-۳. کوتاهی دولت در مقابله با خشونت علیه زنان

جدای از انواع خشونت هایی که به زنان آمریکایی در ارتش، دانشگاه ها و خانه ها می شود و روزانه از طریق این خشونت ها اصلی ترین حقوق شناخته شده برای زنان نقض می شود، کوتاهی دولت های ایالتی و فدرال آمریکا در مقابله با این خشونت ها خود نقض جدی حقوق زنان در این کشور است. بی توجهی دولت آمریکا به معضل خشونت علیه زنان در سال ۲۰۱۴ برجسته شد. زیرا در این سال گزارش های تکان

⁹⁸ Sarah Kliff, "9 facts about violence against women everyone should know", September 16, 2014, Available at: <http://www.vox.com/2014/5/25/5748610/eight-facts-about-violence-against-women-everyone-should-know>

⁹⁹ Elahe Izadi, "CDC: Nearly 1 in 5 women have been raped" September, 5, 2014. Available at: <http://www.washingtonpost.com/news/to-your-health/wp/2014/09/05/cdc-nearly-1-in-5-women-have-been-raped/#>

دهنده ای در مورد پنهان ماندن بخش وسیعی از این خشونت ها منتشر شد؛ به این معنا که درصد بالایی از زنان قربانی خشونت در ارتش، دانشگاه ها و خانه ها حتی خشونت علیه خودشان را به پلیس گزارش نمی دهند و شکایتی علیه عامل خشونت نمی کنند. گزارش وزارت دادگستری آمریکا که پیش از این منتشر شده بود نشان می داد که کمتر از ۵ درصد از قربانیان آزار و اذیت های جنسی در این زمینه اقدام به شکایت رسمی در دادگاه می کنند.



در این گزارش آمده است که از هر ۱۰ قربانی آزار و اذیت جنسی در ارتش تنها یک تن خشونت جنسی علیه خود را گزارش می دهد؛ به این معنا که ۹۰ درصد از موارد خشونت جنسی اصلاً گزارش نمی شود.

این گزارش فاش کرد که حدود ۶۰ هزار مورد خشونت جنسی در سال ۲۰۱۴ در بین نیروهای نظامی رخ داده است. طبق این گزارش با این حال در سال ۲۰۱۴ تعداد قربانیان زن خشونت جنسی در ارتش کاهش یافته است و از ۶.۱ درصد زنان ارتش در سال ۲۰۱۲ به ۴.۳ درصد در سال ۲۰۱۴ رسیده است. اما میزان آزار و اذیت جنسی مردان تقریباً بی تغییر بوده است.^{۱۰۰} مقامات مسئول مبارزه با آزار و اذیت جنسی در ارتش استدلال می کنند که افزایش گزارش های مربوط به خشونت جنسی بین نظامیان لزوماً به معنای افزایش موارد آزار و اذیت نیست بلکه این امر نشانه افزایش اعتماد قربانیان این تجاوزات به روند رسیدگی به پرونده آنها است؛ به همین خاطر مقامات ارتش این روند افزایش گزارش ها را مثبت تلقی می کنند. قربانیان خشونت جنسی در ارتش در غالب موارد به خاطر ترس از انتقام جویی، اخراج شدن و یا ترس از اینکه نتوانند در دادگاه شکایت خود را اثبات کنند، دست به پنهان کردن تجاوز جنسی علیه خود می زنند. به خاطر این که در بسیاری از موارد آزار و اذیت جنسی در ارتش آمریکا توسط مافوق های قربانیان صورت می گیرد، ترس از شکایت و گزارش دادن بسیار زیاد است.

اختلاف زیاد بین موارد آزار و اذیت جنسی در ارتش و مواردی که از این آزارها گزارش شده و به شکایت می رسد؛ بیش از هر چیزی نشان دهنده بی اعتمادی قربانیان خشونت جنسی به روند رسیدگی به این

¹⁰⁰ David Alexander, "U.S. military sex assault reports up 8 percent: officials" Dec 3, 2014. Available at: <http://www.reuters.com/article/2014/12/04/us-usa-defense-sexassault-idUSKCN0JI04J20141204>

جرائم است. ۹۰ درصد از قربانیان خشونت به دلایل مختلف تجاوز علیه خود را گزارش نمی دهند که همین بی اعتمادی و ناامیدی از احقاق حقوق خود در دادگاه ها و یا کمیته های نظامی در ارتش یکی از مهمترین دلایل عدم گزارش و شکایت است. این واقعیت آماری نشان می دهد که مقامات نظامی و قضایی مسئول مبارزه با خشونت جنسی به شیوه مطلوبی کار خود را انجام نمی دهند و دولت در این زمینه مسئول است. اهمال دولت در زمینه مبارزه با خشونت جنسی در ارتش خود نقض حقوق زنان محسوب می شود. همین اهمال و بی توجهی می تواند یکی از دلایل مهم افزایش شمار خشونت جنسی در ارتش باشد زیرا عاملان این خشونت ها ترس کمی از محاکمه و مجازات دارند.

همچنین در سال ۲۰۱۴ مشخص شد که بسیاری از موارد خشونت و آزار و اذیت جنسی در دانشگاه های آمریکا یا توسط قربانی گزارش نمی شوند و یا مقامات دانشگاه مانع از شکایت قربانی و پی گیری خشونت از طریق مراجع قضایی می شوند.

دولت باراک اوباما، رئیس جمهوری آمریکا در سال ۲۰۱۴ در گامی رو به جلو ، فهرستی از ۵۵ دانشگاه و آکادمی در سراسر این کشور را منتشر کرد که مقامات این دانشگاه ها در برخورد با شکایات مرتبط با آزار و اذیت های جنسی اهمال و کوتاهی کردند. در این ۵۵ دانشگاه ها به غالب شکایت های مرتبط با آزار و اذیت جنسی رسیدگی نشده بود و یا در رسیدگی به آنها کوتاهی صورت گرفته بود. دانشگاه کالیفرنیا،

دانشگاه هاروارد و دانشگاه پرینستون از دانشگاه هایی بودند که در این فهرست قرار داشتند.

تحقیق هافینگتون پست نشان می دهد که کمتر از یک سوم از دانشجویان که دست به تجاوز و آزار جنسی زنند، از دانشگاه اخراج شده اند. این تحقیق همچنین نشان می دهد که ۴۷ درصد از این متجاوزان در محیط های دانشگاهی با تعلیق های کوتاه مدت به عنوان مجازات رو به رو شدند و تنها ۱۷ درصد از متجاوزان جنسی با تحریم های آموزشی رو به رو شدند و ۱۳ درصد دیگر هم تحصیل مشروط را با دادن تعهد ادامه دادند.^{۱۰۱}

دانشجویانی که قربانی تجاوز و آزار و اذیت می شوند با مشاهده وضعیت رسیدگی به کسانی که در این زمینه اقدام به شکایت کردند، ترجیح می دهند حتی در صورت آسیب جدی جسمی و روحی ساکت بمانند و بار سنگین تجاوز را در ذهن بکشند و در این زمینه حتی با دوستان خود صحبت نکنند. در حالی که غالب آنها تحت تاثیر مواد مخدر و مشروبات الکلی تن به خواسته های جنسی هم دانشگاهی ها خود می دهند، تصویری درست از آنچه بر آنها گذشته در ذهن ندارند و نمی توانند مدارک لازم و دلایل مستندی

¹⁰¹ Tyler Kingked, "Fewer Than One-Third Of Campus Sexual Assault Cases Result In Expulsion", Sep, 29, 2014 , Available at: http://www.huffingtonpost.com/2014/09/29/campus-sexual-assault_n_5888742.html?utm_hp_ref=college

برای گفته های خود بیابند.

طبق گزارش وزارت دادگستری آمریکا در مورد تجاوز جنسی در دانشگاه ها که ماه دسامبر سال ۲۰۱۴ منتشر شد، حدود ۸۰ درصد از قربانیان تجاوز جنسی در دانشگاه ها هرگز موضوع را به پلیس گزارش نمی دهند. بر اساس همین گزارش، بیشتر از ۲۵ درصد از این ۸۰ درصد قربانی که به پلیس گزارش نمی دهند، معتقد هستند که آزار و اذیت آنها موضوعی بسیار شخصی است و به همین خاطر به پلیس گزارش نمی دهند؛ حدود ۲۰ درصد به خاطر ترس از انتقام جویی گطارشی به پلیس نمی دهند و ۱۲ درصد اعتقاد دارند که آزار و اذیت جنسی آنها آنقدر مهم نیست که بخواهند به پلیس گزارش بدهند.^{۱۰۲}

در زمینه خشونت و آزار و اذیت جنسی خانگی علیه زنان بر اساس گزارشی که شبکه خبری ای بی سی آمریکا منتشر کرده است، ۷۰ درصد از موارد خشونت خانگی علیه زنان منجر به پیگرد قضایی نمی شود و به پلیس گزارش نمی شود. همچنین طبق آمارهای رسمی از زندان های آمریکا غالب زنانی که به خاطر قتل در زندان هستند، توسط مقتول های خود مورد آزار و اذیت جنسی قرار گرفته بودند. برای مثال، ۹۳ درصد از زنانی که به جرم قتل در زندان های کالیفرنیا هستند، توسط مقتول های خود آزار جنسی

¹⁰² U.S. Department of Justice, "Rape and Sexual Assault Victimization Among College-Age Females, 1995–2013", Available at: <http://www.bjs.gov/content/pub/pdf/rsavcaf9513.pdf>

شدند؛ ۶۷ درصد از این زنان در دفاع از خود یا فرزندانشان در مقابل شریک زندگی که قصد آزار و اذیت آنها را داشته است، دست به قتل او زدند. همچنین ۶۷ درصد از زنانی که به خاطر قتل در زندان های نیویورک محبوس هستند، کسی را به قتل رساندند که از نزدیکان او بوده و او را مورد اذیت و آزار جنسی و خشونت قرار داده است^{۱۰۳}. این روند بازداشت زنانی که در برابر خشونت و آزار و اذیت از خود دفاع کردند نه تنها نقض حقوق زنان تلقی می شود بلکه می تواند منجر به گسترش خشونت خانگی علیه آنها شود.

۱۱-۱. فشار بر فعالین مدنی و اجتماعی

یکی دیگر از ابعاد نقض حقوق بشر در سال ۲۰۱۴ در ایالات متحده فشار بر فعالین مدنی و سیاسی از جمله رهبران جنبش های اجتماعی است. این فشار در سال ۲۰۱۴ بیشتر از طریق نظام قضایی آمریکا وارد شده است. در بسیاری از موارد، فعالان اجتماعی و مدنی به خاطر اتهام های دیگری در زندان هستند. در زیر به مهمترین فعالان اجتماعی و مدنی در آمریکا و وضعیت آنها اشاره می کنیم:

¹⁰³ Victoria Law, "How Many Women are in Prison for Defending Themselves Against Domestic Violence?", September 16, 2014, Available at: <http://bitchmagazine.org/post/women-in-prison-for-fighting-back-against-domestic-abuse-ray-rice>

۱-۱۱-۱. ادی کانوی

ادی کانوی^{۱۰۴} از سال ۱۹۷۰ تا کنون به اتهام قتل یک افسر پلیس در بازداشت است. اما وی مخالف برنامه جاسوسی اف بی آی موسوم به کونتیلپرو^{۱۰۵} بوده است و رهبر سابق حزب پلنگ سیاه بالتیمور بوده و به خاطر فعالیت حزبی و ضد اف بی آی هدف پرونده سازی قرار گرفته است. او سال ها از داشتن وکیل محروم بوده و ویلیام کانستلر که در چند سال اخیر وکیل وی شده تا کنون موفق به دیدار با او نشده است.

۱-۱۱-۲. ورونزا بوورز

ورونزا بوورز^{۱۰۶} ۴۰ سال در حبس است و به قتل دو جاسوس دولتی متهم شده است. هنوز دادگاه هیچ سند و شاهد معتبری برای اتهام او ارائه نداده است. وی از مخالفان جدی امنیتی شدن آمریکا و جاسوسی در کشور بوده است.

¹⁰⁴ eddie coway

¹⁰⁵ Cointelpro

¹⁰⁶ Veronza Bowers

قاضی لین استوارت^{۱۰۷} مدافع حقوق سیاه پوستان و فقرا در دادگاه های آمریکا و وکیل بسیاری از پرونده های سیاسی سیاه پوستان بوده است. وی به اتهام حمایت مادی از تروریسم بازداشت شده است و هم اکنون ۱۰ سال در زندان است.



¹⁰⁷ Attorney Lynne Stewart

۱-۱۱-۴. سیسلی مک میلان

سیسلی مک میلان در سال ۲۰۱۲ که جنبش وال استریت به اوج خود رسید، بسیاری از رهبران و فعالان آن بازداشت و راهی زندان شدند. بسیاری از آنها پس از این که دولت آمریکا نتوانست علیه آنها پرونده سازی کند، آزاد شدند اما هنوز کسانی هستند که در بند زندان هستند و به طور ناعادلانه به اتهام های بی اساس در دادگاه متهم شده اند.



دختر دانشجویی جوانی که در تاریخ ۱۷ مارس سال ۲۰۱۲، به اتهام درگیری با پلیس بازداشت شده است، گفته می شود یکی از فعالان جنبش اشغال وال استریت است. مک میلان در ماه مارس در پارک

زوکوتی^{۱۰۸}، جایی که فعالان جنبش اشغال وال استریت تجمع کرده بودند بازداشت شد. وی در زمان بازداشت خود به خاطر شدت عمل ماموران امنیتی زخمی، بیهوش و دچار تشنج شد. وی در دادگاه به اتهام ضرب و جرح و درگیری با پلیس متهم شده است که می تواند بیش از ۷ سال زندان برای او در پی داشته باشد.^{۱۰۹}

۱-۱۱-۵. زندانیان معروف به ناتو ۳

«بریان چارچ» ۲۲ ساله، «جارد چاس» ۲۹ ساله و «برنت وینست بترلی»، ۲۵ ساله سه زندانی سیاسی در آمریکا هستند که به زندانیان «ناتو ۳» معروف شده اند. این سه زندانی در ماه مه سال ۲۰۱۲ در تظاهرات هایی که هم زمان با نشست ناتو در شیکاگو برگزار می شد، بازداشت شدند. این سه نفر پس از بازداشت با اتهام «برنامه ریزی برای حمله به ستاد انتخاباتی» باراک اوباما متهم شدند. در روز ششم فوریه سال ۲۰۱۴ که آخرین جلسه دادگاه این سه فعال جنبش اشغال وال استریت برگزار شد، قاضی دادگاه اعلام کرد سند محکمه پسندی برای اثبات اتهام حمله تروریستی به ستاد انتخاباتی اوباما وجود ندارد اما هنوز در زندان هستند و از سال ۲۰۱۲ تا کنون به خاطر میزان وثیقه سنگینی که دادگاه برای آزادی

¹⁰⁸ Zuccotti

¹⁰⁹ “Occupy Protester Trial Held to Dig for NYPD Dirt”, Available at: <http://occupywallstreet.net/story/occupy-protester-trial-held-dig-nypd-dirt>

مشروط آنها تعیین کرده بود در بند هستند.



۱-۱۱-۶. مومیا ابو جمال

مومیا ابو جمال^{۱۱۰} نویسنده و فعال مدنی و سیاسی است که در ۲۴ آوریل سال ۱۹۵۴ در فیلادلفیای

آمریکا چشم به جهان گشود. در سال ۱۹۶۸ حادثه ای در زندگی وی رخ داد که وی را در مسیر تبدیل

¹¹⁰ Mumia Abu Jamal

شدن به برجسته ترین زندانی سیاسی در ایالات متحده قرار داد. وی که در این سال ۱۴ سال داشت مورد ضرب و شتم سنگین نژادپرست های سفید پوست و یک مامور پلیس قرار گرفت. این درگیری زمانی بود «جورج والاس»، فرماندار نژاد پرست آلاباما و طرفدارانش سرگرم گردهمایی انتخاباتی در فیلادلفیا بودند. تجربه تبعیض نژادی و خشونت ناشی از آن در این حادثه باعث شد که وی در گام تبدیل شدن به یک فعال و برابری خواه تبدیل شود؛ او ابتدا به همکاری هایی با حزب «پلنگ های سیاه» داشت و به خاطر جسارت در دفاع از حقوق جامعه سیاهان فیلادلفیا مردم به او لقب «صدای بی صدایان» را دادند.



اقدامات آگاهی بخش و جسورانه او علیه نژاد پرستی و خشونت پلیس بود مقامات نژادپرست فیلادلفیا و پلیس این شهر را برانگیخت و باعث شد که وی در توطئه ای از پیش تعیین شده در ۹ دسامبر ۱۹۸۱ میلادی به اتهام قتل دانیل فالکنر، یک افسر پلیس بازداشت شود. با وجود اسناد و مدارکی که بی‌گناهی ابو جمال را تأیید می‌کردند، پلیس و مقامات امنیتی شهر فیلادلفیا در یک اقدام سازمان یافته وی را در دادگاه محکوم کردند. شاهدانی که معتقد بودند قتل افسر پلیس کار ابو جمال نبوده، نه تنها به دادگاه احضار نشدند بلکه توسط پلیس تهدید شدند و بسیاری از شاهدانی که در دادگاه شرکت کرده و به سود دادستان وقت و پلیس فیلادلفیا شهادت دادند بعداً اعلام کردند که تنها زیر فشار و تهدید به چنین کاری اقدام کرده بودند. همچنین مقامات امنیتی فلادلفیا، آلبرتو سابو، قاضی که به «جلاد» شهرت داشت و بیش از هر قاضی دیگری در ایالات متحده حکم اعدام صادر کرده بود و اعتقادات نژادپرستانه داشت را مامور رسیدگی به پرونده وی کردند.

مومیا ابو جمال، سازمان دهنده و مبارز معروف جامعه «آفریقایی-آمریکایی» و رئیس «انجمن روزنامه نگاران سیاه پوست»^{۱۱۱} است. بوجمال از سال ۱۹۸۱ تا کنون در زندان به سر می‌برد وی ابتدا به اعدام محکوم شد اما تلاش وکلای وی اگر چه نتوانست به خاطر حاکمیت نژادپرستی و دشمنی مقامات امنیتی با

¹¹¹ the Association of Black Journalists

وی به آزادی او منجر شود، اما باعث شد که حکم او به حبس ابد تقلیل یابد. وی در طول سالها زندان تلاش کرده است با قلم خود همچنان راه آزادی خواهانه و برابری طلبانه خود را حفظ کند. ابو جمال در زندان آثاری زیادی از جمله «ما آزادی می خواهیم: یک زندگی در حزب پلنگ سیاه»، «تمام چیزهایی که سانسور شده»، «زندگی کردن از انتظار اعدام»، «شکوفه مرگ: بازتاب از یک زندانی سیاسی»، «وکلا زندان : زندانیان از زندانیان دفاع می کنند» و «ایمان پدران ما: بررسی زندگی معنوی و روحانی مردم آفریقایی-آمریکایی» را به رشته تحریر در آورد. جامعه «آفریقایی-آمریکایی» و «انجمن روزنامه نگاران سیاه پوست» از نهادهایی هستند که ابوجمال از سازمان دهندگان اصلی آن بوده است.^{۱۱۲}

۱-۱۱-۷. لئونارد و پلتیر

لئونارد و پلتیر^{۱۱۳} فعال مشهور «جنبش سرخپوستان آمریکایی»^{۱۱۴} است که از سازمان دهندگان این جنبش برای رسیدن به اهداف تعیین شده خود بود. او ۳۵ سال است که به جرم قتل دو مامور پلیس فدرال آمریکا در زندان به سر می برد اما پس از انجام تحقیقات بیشتر و درخواست هایی که برای دادگاه

^{۱۱۲} . برای مطالعه بیشتر در مورد «مومیا ابو جمال» رجوع کنید به:

<http://freemumia.com> , <http://Millions4Mumia.org> , <http://freemumia.org>

^{۱۱۳} Leonard Peltier

^{۱۱۴} the American Indian Movement

تجدید نظر داشت، مشخص شد که هیچ مدرک محکم و محکمه پسندی برای این جرم وجود ندارد. اگر چه دادگاه رای به تبرئه وی داد روند آزادی وی هنوز با کندی پیش می رود^{۱۱۵}.

۱-۱۱-۸. اد پویندکستر و موندو وی لانگا(دیوید رایس)

اد پویندکستر و موندو وی لانگا(دیوید رایس)^{۱۱۶} رهبران حزب «پلنگ های سیاه» در شهر اوماها، بزرگترین شهر ایالت نبراسکای آمریکا است. این دو مرد که سازمان عفو بین الملل آنها را زندانیان عقیدتی تلقی کرده است هم اکنون ۴۳ سال است که در زندان به سر می برند. آنها به جرم کشتن یک مامور پلیس شهر اوماها به حبس ابد محکوم شده اند. آنها از مدافعان حقوق سیاه پوستان هستند و ۴۳ سال پیش در تظاهراتی که منجر به ضرب و شتم یک نوجوان سیاه پوست به وسیله نیروهای پلیس شده بود، شرکت داشتند آنها در این درگیری و برای نجات نوجوان سیاه پوست دخالت کردند و در این تظاهرات یک نیروی پلیس کشته شد و این دو مرد به اتهام قتل این پلیس بازداشت شدند.

^{۱۱۵} برای مطالعه بیشتر در مورد «لئوناردو پلتیر» رجو کنید به:

<http://whoisleonardpeltier.info>

^{۱۱۶} Ed Poindexter and Mondo we Langa (David Rice)

سامی آل آرین^{۱۱۷} در سال ۲۰۰۳ به اتهام حمایت از یک گروه فلسطینی که در فهرست تروریستی وزارت خارجه آمریکا بوده است. وی یکی از نخستین قربانیان قانون میهن پرستی بوده است. آل آرین به اتهام «توطئه» محاکمه و زندانی شد. وی هم اکنون حدود پنج سال و نیم در زندان بوده است که حدود سه سال و نیم از این دوره را در زندان انفرادی بوده است. او هم اکنون به علت همکاری نکردن با ماموران تحقیق در اعتراض به بازداشت خودسرانه خود، در حبس خانگی به سر می برد^{۱۱۸}.

سه زندانی که به سه آنگولایی^{۱۱۹} معروف شدند، «آلبرت وودفکس»^{۱۲۰}، «رابرت کینگ»^{۱۲۱} و «هرمن والانس»^{۱۲۲} هستند که در زندان آنگولا در ایالت لویزیانا نگهداری می شود. آنها از اواخر دهه ۱۹۶۰ به علت سازماندهی زندانیان برای تشکیل جنبشی در زندان به منظور پایان دادن به تجاوز و خشونت نظامند و

¹¹⁷ Sami Al-Arian

<http://FreeSamiAlArian.com>

¹¹⁹ The Angola 3

¹²⁰ Albert Woodfox

¹²¹ Robert King

¹²² Herman Wallace

¹¹⁸. برای مطالعه بیشتر در مورد «سامی آل آرین» رجوع کنید به:

کمک به زندانیان و دادن مشاوره حقوقی به آنها برای احقاق حقوقشان، در انفرادی نگه داشته می شوند.

این سه زندانی در سال ۱۹۷۲ به قتل یک نگهبان زندان متهم شدند که به گفته وکلای آنها سندی مبنی

بر دخالت این سه زندانی در این قتل آنها وجود ندارد.^{۱۳۳}



The Angola 3: Robert King, who was exonerated in 2001, Albert Woodfox and Herman Wallace, who remain in solitary confinement at Angola.

۱۱-۱۱-۱. عبدالحالم اشکار

عبدالحالم اشکار، فعال حقوق فلسطینی ها است که به ۱۱ سال زندان به خاطر همکاری نکردن با

^{۱۳۳} . . برای مطالعه بیشتر در مورد این زندانی سیاسی رجوع کنید به:

<http://www.angola3.org>

دادگاهی که برای محاکمه فعالان حقوق فلسطینی تشکیل شده بود، محکوم شده است. در سال ۲۰۰۷، «محمد صالح» و جمعی دیگر از فعالان ضد اسرائیلی و طرفدار حقوق فلسطینی ها که به اتهام حمایت مالی تروریسم و توطئه به دادگاه کشیده شده بودند، عبدالحالم اشکار برای ادای شهادت و برخی از تحقیقات به دادگاه احضار شد اما وی به خاطر این که اعتقاد به ناعادلانه بودن دادگاه داشت، حاضر به این کار نشد. دوره محکومیت وی، بلندترین دوره برای جرم عدم همکاری با دادگاه در ایالات متحده است که تاکنون صادر شده است.^{۱۲۴}

۱-۱۱-۱۲. برادلی مانینگ

برادلی مانینگ سرباز ۲۲ آمریکایی است که به اتهام در اختیار قرار دادن اسناد محرمانه به وب سایت ویکی لیکس در ماه مه سال ۲۰۱۰ و هنگام خدمت ارتش، در عراق بازداشت شد و سپس به کویت و از آنجا به خاک آمریکا منتقل شد و در سلول انفرادی در پایگاه نظامی «کوانتیکو» در ایالت ویرجینیا زندانی شد. وی اسناد مهمی از کشتار غیرنظامیان در عراق را توسط نیروهای ارتش آمریکا فاش کرد. دادگاه نظامی در ۲۱ اوت ۲۰۱۳ در فورت میدِ مریلند، ضمن اخراج مانینگ از ارتش، او را به ۳۵ سال زندان

^{۱۲۴}. برای مطالعه بیشتر در مورد این زندانی سیاسی رجوع کنید به:

<http://www1.freewebs.com/free-ashqar/history/index.htm>

محکوم کرد. وی به خاطر اتهاماتی مانند جاسوسی، تقلب کامپیوتری و دزدی این محکومیت را گرفت.^{۱۲۵}

۱-۱۲. نقض آزادی بیان و مطبوعات

بر اساس گزارشی که «گزارشگران بدون مرز» در مورد آزادی رسانه و نشر آزاد اطلاعات در ماه فوریه سال ۲۰۱۴ منتشر کردند، آمریکا با ۱۳ پله سقوط، در رتبه ۴۶ از نظر آزادی رسانه و نشر آزاد رسانه قرار گرفت. این سقوط رتبه در سال های اخیر بی سابقه بوده است. گزارشگران بدون مرز در گزارش خود از وجود تفسیر و برداشت های اغراق آمیز و سوء استفاده گرانه از مفهوم امنیت ملی علیه اطلاع رسانی و گردش آزاد اخبار و اطلاعات ابراز نگرانی کرده است و گفته است که این نوع رویکرد تا قلب دولت های قانون مدار نیز پیش رفته است.

^{۱۲۵} . . برای مطالعه بیشتر در مورد این زندانی سیاسی رجوع کنید به:

<http://bradleymanning.org> , <http://couragetoresist.org> .



«کریستف دولوار»، مدیر اجرایی سازمان گزارشگران بدون مرز، در مورد این گزارش و رده بندی آزادی رسانه ها در جهان گفت که رتبه بندی کشور بر مبنای هفت شاخص زیر تهیه شده است: میزان چند صدایی، سطح سرکوب و فشار، استقلال رسانه‌ای، شفافیت، فضای عمومی و خودسانسوری، چارچوب‌های قانونی و توانمندی زیر ساخت‌ها. در این گزارش سقوط ۱۳ پله ای آمریکا یکی از «بزرگترین عقب‌گردهای قابل ملاحظه در میان کشورهای دموکراتیک» لقب گرفته است و علت مهم این عقب گرد «اصرار بر پیگرد منابع روزنامه نگاران و شکار افشاگران» عنوان شده است. سازمان گزارشگران بدون مرز به محکومیت سرباز ۲۲، برادلی مانینگ و تعقیب قضایی «ادوارد اسنودن»، پیمانکار سابق آژانس امنیت ملی اشاره کرده است و در مورد آنها نوشته است: «کسانی که با شجاعت، اطلاعات حساس اما به نفع منافع عمومی را در دسترس

همگان قرار می‌دهند، مورد تعقیب و آزار قرار گرفته اند.»^{۱۲۶}

¹²⁶ Reporters Without Borders, “World Press Freedom Index 2014”, Feb 12, 2014. Available at: <http://rsf.org/index2014/en-index2014.php>